

تأسیس مراکز تأمین مالی فرامرزی: راهکاری برای ورود به بانکداری بین‌المللی

نویسندگان: محمود متوسلی*
رضا آقابابائی**

چکیده

نگاهی به ارقام و شواهد نشان می‌دهد که کشورمان در نظام بانکی بین‌المللی، سهم بسیار ناچیزی به میزان کمتر از دو دهم درصد دارد. با توجه به نقش نظام مالی در فرایند رشد اقتصادی از کانال تأمین مالی سرمایه‌گذاری و ابداعات فن‌آورانه، این مشکل برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها محدودیت جدی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، با عدم ارتباط و تعامل قابل توجه نظام بانکی کشور با نظام بانکی بین‌المللی، نظام بانکی کشور نتوانسته است متناسب با پیشرفت‌های جهانی در این زمینه پیش رود. از این رو، ظاهراً لازم است راهکاری مناسب برای ورود به بازارهای پول و سرمایه بین‌المللی طراحی شود. تجارب جهانی نشان می‌دهد که تأسیس

مراکز مالی فرامرزی، از گزینه‌های مناسب برای ورود به بازارهای مالی بین‌المللی است. در مقاله حاضر، این گزینه و کارکردهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که برای موفقیت و تحقق اهداف مورد انتظار، همراه با تأسیس این مراکز، چه تمهیداتی باید طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: نظام مالیه، مراکز مالی فرامرزی، بانکداری فرامرزی، ایران

۱. مقدمه

اکنون مراکز تأمین مالی فرامرزی^۱، بخش مهمی از نظام مالی بین‌المللی محسوب می‌شوند. در حال حاضر، برآوردها نشان می‌دهند که ۸۰ درصد از مبادلات بانکداری بین‌المللی، به لحاظ مقداری در بازارهای مالی فرامرزی انجام می‌شوند (پالان^۲، ۱۹۹۸: ۶۶). همچنین برخی از برآوردها نیز نشان می‌دهند که نیمی از ذخیره پول جهان و ۲۰ درصد از ثروت اشخاص در کل دنیا، در مراکز تأمین مالی فرامرزی متمرکز شده است (پالان، ۱۹۹۸: ۶۷). هامپتون و کریستینسن^۳ (۲۰۰۲) نیز شرکت‌های چندملیتی و ثروتمندترین افراد دنیا را از مهمترین استفاده‌کنندگان خدمات مراکز مالی فرامرزی توصیف می‌کنند و ارزش ثروت موجود در مراکز تأمین مالی فرامرزی را شش هزار میلیارد دلار برآورد می‌نمایند (هامپتون و کریستینسن، ۲۰۰۲: ۸-۱۶۵۷).

علاوه بر این برآوردها، بر طبق اطلاعات و داده‌های گزارش شده توسط کشورها به بانک تسویه بین‌المللی^۴، می‌توان برخی از ابعاد فعالیت‌های این مراکز را شناسایی کرد که نتایج آن، در جدول (۱) تا (۳) گزارش شده است. بر طبق ارقام جدول (۱)، مراکز مالی فرامرزی بیش از ۱۳ درصد از وام‌ها و نزدیک به ۲۰ درصد از سپرده‌های خارجی بانک‌ها در سطح جهان را به خود اختصاص داده‌اند. درحالی‌که سهم ایران در هر دو بخش، کمتر از دو دهم درصد است. جدول (۲) نیز وضعیت کل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها در جهان را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مذکور مشاهده

-
1. Offshore Financial Centers
 2. Palan
 3. Hampton and Christensen
 4. Bank for International Settlement (BIS)

می‌شود، مراکز فرامرزی بخش قابل توجهی از دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک‌ها در سطح جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در این جدول نیز سهم ایران بسیار ناچیز است.

نکته دیگری که از مقایسه جدول (۱) با (۲) حاصل می‌شود، این است که تفاوت میان میزان دارایی‌ها با وام‌ها و نیز تفاوت بدهی‌ها با سپرده‌ها برای ایران بسیار کم است، درحالی‌که این تفاوت در سطح جهانی و به‌ویژه در مورد کشورهای توسعه‌یافته، رقم قابل توجهی است. در واقع، این تفاوت ناچیز در مورد کشورمان نشان می‌دهد سبد مصارف یا پرتفولیوی دارایی‌ها و نیز سبد منابع یا پرتفولیوی بدهی‌ها برای کشور ایران، بر یک نوع دارایی خاص مانند وام یا یک بدهی خاص مانند سپرده متمرکز است و سایر ابزارهای منابع و مصارف، در این سبد جایی ندارند. درحالی‌که، این تفاوت برای کشورهای توسعه‌یافته، قابل توجه است و بیانگر این نکته می‌باشد که در سبد منابع و مصارف این کشورها، سایر ابزارهای دارایی و بدهی غیر از سپرده و وام، سهم قابل توجهی را در نظام مالی به خود اختصاص داده‌اند.

علاوه بر عملیات بانکی، مراکز فرامرزی در بازارهای پول و سرمایه بین‌المللی نیز فعال هستند. ارقام جدول (۳) نشان می‌دهند که حدود ۷ درصد از اوراق بهادار بین‌المللی منتشره در بازار پول و سرمایه، توسط سازمان‌ها و نهادهایی منتشر شده که در مراکز فرامرزی اقامت داشته‌اند. همان‌طور که ارقام مذکور نشان می‌دهند ایران در این بازارها هیچ فعالیتی ندارد و از بخش مهمی از بازار پول و سرمایه بین‌المللی دور مانده است. شواهد مذکور نشان می‌دهند ایران نقش و سهم مناسبی از بازارهای مالی بین‌المللی (چه در بازار بانکی و چه در بازار پول و سرمایه بین‌المللی) ندارد. از این رو، عدم حضور در بازارهای مالی بین‌المللی، به عنوان مسئله‌ای جدی برای کشورمان محسوب می‌شود. در واقع، مسئله اساسی این است که با وجود سهم و نقش قابل توجه مراکز فرامرزی در بانکداری بین‌المللی، نظام مالی و بانکی کشور نتوانسته است از این راهکار برای ارتقای نظام بانکی کشور و حضور در نظام بانکی بین‌المللی استفاده کند. این موضوع موجب شده است سهم ایران در مبادلات مالی و بانکی بین‌المللی بسیار ناچیز باشد. بنابراین، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان ایجاد مراکز مالی فرامرزی را به عنوان راهکاری برای ورود به بازارهای مالی بین‌المللی در نظر گرفت و برای حضور در عرصه بانکداری بین‌المللی، از آن استفاده کرد؟

جدول (۱): وام‌ها و سپرده‌های خارجی بانک‌ها (میلیارد دلار ایالات متحده)

متغیر	سال	۲۰۰۴		۲۰۰۵		۲۰۰۶	
		مقدار	سهم (%)	مقدار	سهم (%)	مقدار	سهم (%)
وام‌های اعطایی	کل کشورها	۱۳۸۲۰	۱۰۰/۰۰	۱۵۲۰۲	۱۰۰/۰۰	۱۸۹۱۶	۱۰۰/۰۰
	کشورهای توسعه‌یافته	۱۰۷۴۵	۷۷/۷۵	۱۱۸۳۶	۷۷/۸۶	۱۴۷۰۰	۷۷/۷۱
	مراکز فرامرزی	۱۸۵۷	۱۳/۴۴	۲۰۴۲	۱۳/۴۳	۲۵۸۰	۱۳/۶۴
	کشورهای در حال توسعه	۹۲۵	۶/۶۹	۱۰۹۱	۷/۱۸	۱۳۵۰	۷/۱۴
	ایران	۲۱	۰/۱۵	۲۷	۰/۱۸	۲۵	۰/۱۳
	سایر	۲۷۲	۱/۹۷	۲۰۶	۱/۳۶	۲۶۱	۱/۳۸
سپرده‌های دریافتی	کل کشورها	۱۵۸۵۴	۱۰۰/۰۰	۱۷۲۱۳	۱۰۰/۰۰	۲۱۰۰۵	۱۰۰/۰۰
	کشورهای توسعه‌یافته	۱۰۸۹۲	۶۸/۷۰	۱۱۸۸۲	۶۹/۰۳	۱۴۳۶۸	۶۸/۴۰
	مراکز فرامرزی	۳۱۴۲	۱۹/۸۲	۳۲۵۴	۱۸/۹۰	۴۰۶۶	۱۹/۳۶
	کشورهای در حال توسعه	۱۴۱۰	۸/۸۹	۱۶۶۲	۹/۶۶	۲۰۷۵	۹/۸۸
	ایران	۲۱	۰/۱۳	۲۵	۰/۱۵	۳۱	۰/۱۵
	سایر	۳۸۹	۲/۴۵	۳۹۰	۲/۲۷	۴۶۵	۲/۲۱

مأخذ: (نشریه سالانه بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۰۷: ۳۶-۴۳)

جدول (۲): دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک‌ها (میلیارد دلار ایالات متحده)

متغیر	سال	۲۰۰۴		۲۰۰۵		۲۰۰۶	
		مقدار	سهم (%)	مقدار	سهم (%)	مقدار	سهم (%)
دارایی‌ها	کل کشورها	۱۹۱۷۸	۱۰۰/۰۰	۲۱۱۲۵	۱۰۰/۰۰	۲۶۰۹۴	۱۰۰/۰۰
	کشورهای توسعه‌یافته	۱۵۱۷۸	۷۹/۱۴	۱۶۷۲۸	۷۹/۱۹	۲۰۵۴۲	۷۸/۷۲
	مراکز فرامرزی	۲۳۷۶	۱۲/۳۹	۲۶۲۶	۱۲/۴۳	۳۳۰۰	۱۲/۶۵
	کشورهای در حال توسعه	۱۰۱۶۲	۶/۰۶	۱۳۸۵	۶/۵۶	۱۷۷۷	۶/۸۱
	ایران	۲۲	۰/۱۱	۲۸	۰/۱۳	۲۵	۰/۱۰
	سایر	۴۴۰	۲/۲۹	۳۵۸	۱/۶۹	۴۵۰	۱/۷۲
بدهی‌ها	کل کشورها	۱۸۰۷۴	۱۰۰/۰۰	۱۹۸۸۲	۱۰۰/۰۰	۲۴۱۷۶	۱۰۰/۰۰
	کشورهای توسعه‌یافته	۹۷۵۲	۵۳/۹۶	۱۲۵۰۵	۶۲/۹۰	۱۵۱۱۶	۶۲/۵۲
	مراکز فرامرزی	۳۱۹۰	۱۷/۶۵	۳۲۱۳	۱۶/۱۶	۴۱۴۸	۱۷/۱۶
	کشورهای در حال توسعه	۱۴۴۲	۷/۹۸	۱۶۹۷	۸/۵۴	۲۱۱۹	۸/۷۶
	ایران	۲۱	۰/۱۲	۲۶	۰/۱۳	۳۲	۰/۱۳
	سایر	۳۶۶۹	۲۰/۳۰	۲۴۴۱	۱۲/۲۸	۲۷۶۱	۱۱/۴۲

مأخذ: (نشریه سالانه بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۰۷: ۲۷-۲۰)

برای پاسخ به سؤال مذکور، در ابتدا باید روشن شود که اساساً ضرورت پرداختن به نظام مالی و کوشش برای رشد و توسعه آن از کجا نشأت می‌گیرد. تشخیص این ضرورت در گرو شناخت نقش و اهمیت نظام مالی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشور است. از این رو، در بخش دوم مقاله و در آغاز بحث، نقش نظام مالی در رشد و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دیدگاه‌های اقتصاددانان در این باره بیان می‌شود. سپس باید روشن شود که تأسیس مراکز مالی فرامرزی، تا چه حد می‌تواند در ارتقای نظام مالی کشور مؤثر باشد. برای پاسخگویی به این سؤال لازم است نقش و کارکرد این مناطق، از طریق بررسی چگونگی شکل‌گیری و عملکرد این مناطق بررسی شود. بنابراین، سعی می‌شود در بخش سوم مقاله درباره تعاریف و دسته‌بندی‌های این مراکز، نقش، کارکرد و عملکرد آنها بحث شود. برای ارائه راهکاری سیاستی لازم است عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت این مراکز مورد بررسی قرار گیرد و عوامل کلیدی موفقیت این مناطق شناخته شود تا بتوان بر طبق آنها، گزینه‌های سیاستی مطلوب را دنبال کرد. از این رو، در قسمت چهارم، عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت این مراکز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت پنجم نیز نتیجه‌گیری از مباحث بیان می‌شود.

جدول (۳): اوراق بهادار بین‌المللی بر طبق محل اقامت منتشرکننده (میلیارد دلار ایالات متحده)

متغیر	سال	۲۰۰۵		۲۰۰۶		مارس ۲۰۰۷	
		مقدار	سهم (%)	مقدار	سهم (%)	مقدار	سهم (%)
اوراق بلندمدت (بازار سرمایه)	کل کشورها	۱۳۰۹۶۰	۱۰۰/۰۰	۱۷۰۷۵۴	۱۰۰/۰۰	۱۸۰۵۸۴	۱۰۰/۰۰
	کشورهای توسعه‌یافته	۱۱۰۹۲۶	۸۵/۴۳	۱۵۰۰۶۲	۸۴/۸۴	۱۵۰۸۸۲	۸۵/۴۶
	مراکز فرامرزی	۷۹۱	۵/۶۷	۱۰۱۳۰	۶/۳۶	۱۰۲۳۱	۶/۶۲
	کشورهای درحال توسعه	۷۰۹	۵/۰۸	۸۰۶	۴/۵۴	۸۳۴	۴/۴۹
	ایران	۰	۰/۰۰	۰	۰/۰۰	۰	۰/۰۰
	سایر	۵۳۴	۳/۸۳	۷۵۶	۴/۲۶	۶۳۷	۳/۴۳
اوراق کوتاه‌مدت (بازار پول)	کل کشورها	۶۵۰	۱۰۰/۰۰	۸۷۵	۱۰۰/۰۰	۱۰۰۱۹	۱۰۰/۰۰
	کشورهای توسعه‌یافته	۵۸۴	۸۹/۸۵	۷۸۱	۸۹/۲۶	۹۰۳	۸۸/۶۲
	مراکز فرامرزی	۴۸	۷/۳۸	۶۶	۷/۵۴	۸۲	۸/۰۵
	کشورهای درحال توسعه	۸	۱/۲۸	۱۶	۱/۷۹	۱۸	۱/۷۶
	ایران	۰	۰/۰۰	۰	۰/۰۰	۰	۰/۰۰
	سایر	۱۰	۱/۴۹	۱۲	۱/۴۱	۱۶	۱/۵۸

مأخذ: (نشریه سالانه بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۰۶: ۸۵-۹۵)

۲. نقش نظام مالی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی

بررسی عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی، تبیین نحوه اثرگذاری و آگاهی از میزان اهمیت هر یک از این عوامل در رشد اقتصادی، یکی از مهمترین دغدغه‌های اقتصاددانان از زمان آدام اسمیت تاکنون بوده است. رویکردهای مورد استفاده، عموماً بر تصویر و تعریف تابع تولید و عوامل آن مبتنی بوده است. کیفیت و کمیت نیروی انسانی، سرمایه فیزیکی، مالی، انسانی و تکنولوژی از عواملی بوده‌اند که اقتصاددانان به عنوان دلایل رشد و توسعه اقتصادی مطرح کرده‌اند. اقتصاددانان مختلف گاه از رویکردی متعارف، کمی‌گرایانه، جزءنگر و گاه از رویکردی بدیل، کیفی و کل‌گرایانه تلاش کرده‌اند میزان اهمیت و سهم این عوامل را مشخص کنند و گاه نقش عاملی خاص را برجسته نمایند یا اینکه عواملی را مورد بررسی قرار دهند که توضیح‌دهنده کمبود یا کفایت، رشد یا عقب‌ماندگی هر یک از این عوامل تولید بوده است.

نگاهی به مباحث اقتصادی نشان می‌دهد یکی از کانون‌های مورد توجه، نقش انباشت سرمایه در فرایند رشد بوده است. در این راستا و طی دو دهه اخیر، توجه اقتصاددانان به نظام مالی جلب شده است که تعیین‌کننده فرایند انباشت سرمایه در نظام اقتصادی سرمایه‌داری محسوب می‌شود. تبیین نقش نظام مالی در رشد اقتصادی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای می‌توان در نظریه شومپیتر یافت. شومپیتر^۱ (۱۹۱۱) استدلال می‌کرد که عملکرد مطلوب بانک‌ها، ابداعات تکنولوژیک و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی را تحریک می‌کند، زیرا بانک‌ها با مشخص کردن و تأمین مالی طرح‌های نوآورانه‌ای که بیشترین شانس را برای موفقیت دارند، موجب می‌شوند کالاهای جدید و فرایندهای جدید تولید در اقتصاد خلق شود و رشد اقتصادی افزایش یابد. هیکس^۲ (۱۹۶۹) نیز می‌گفت نظام مالی از طریق تأمین سرمایه لازم برای فعالیت‌های بزرگ، در صنعتی شدن کشور انگلستان نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. اما از سوی دیگر، رابینسون^۳ (۱۹۵۲) معتقد بود این بخش تولید است که جریان‌های مالی را هدایت می‌کند و توسعه اقتصادی برای انواع مختلف تأمین مالی تقاضا ایجاد می‌کند (لوین^۴، ۱۹۹۷: ۶۸۸). گرزشنگرن^۵ (۱۹۶۲) نیز معتقد بود که توسعه مالی برای رشد اقتصادی

-
1. Schumpeter
 2. Hicks
 3. Robinson
 4. Levine
 5. Gerschenkron

ضروری است، زیرا بانک‌های تجاری خصوصی، در نیمه دوم قرن نوزدهم در بسیاری از کشورهای صنعتی به‌ویژه آلمان، ابزاری حیاتی برای انتقال پس‌اندازها به صنایع محسوب می‌شوند.

لوین (۱۹۹۷) دو کانال اساسی اثرگذاری بازارهای مالی بر رشد اقتصادی را بیان می‌کند. این کانال‌ها عبارت‌اند از: انباشت سرمایه^۱ و ابداعات فن‌آورانه^۲. درباره کانال اول باید یادآور شد که نهادهای مالی، نظیر بانک‌ها موجب تغییر نرخ پس‌انداز می‌شوند یا با تخصیص مجدد پس‌اندازها میان تکنولوژی‌های سرمایه‌ای مختلف، موجب انباشت سرمایه می‌گردند (لوین، ۱۹۹۷، میر^۳، ۲۰۰۲). همچنین برای اینکه ابداعات تکنولوژیک بتوانند اثر لازم بر رشد و توسعه اقتصادی را داشته باشند، باید بر تولید کالاها و خدمات تأثیر بگذارند و فرایند تولید آنها را متحول کنند، از این رو، لازم است سرمایه لازم برای بکارگیری این نوآوری‌ها فراهم شود که نهادهای مالی می‌توانند این عمل را به‌طور مطلوبی انجام دهند. بنابراین نظام مالی می‌تواند ابداعات تکنولوژیک را در فرایندهای تولیدی وارد کند و بر رشد اقتصادی اثر بگذارد^۴. نمودار شماره (۱) کارکردهای سیستم مالی و کانال‌های اثرگذاری آن بر رشد را نشان می‌دهد.

در حال حاضر، در بین اقتصاددانان درباره نقش سیستم مالی در رشد پایدار اقتصادی تردید چندانی وجود ندارد. در مطالعات نظری انجام شده در اوایل دهه ۷۰ توسط مک کینان^۵، شاو^۶ و گلداسمیت^۷ و سپس مطالعات متعدد نظری و تجربی انجام شده در دهه ۹۰، به نقش اساسی و مرکزی نظام مالی در رشد اقتصادی اشاره شده است^۸. در حوزه تجربی نیز مطالعات متعددی انجام شده است که در آنها به رابطه مثبت میان توسعه مالی و رشد اقتصادی و نقش محوری نظام مالی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورها اشاره شده که مهمترین آنها در جدول (۴) ذکر گردیده است^۹.

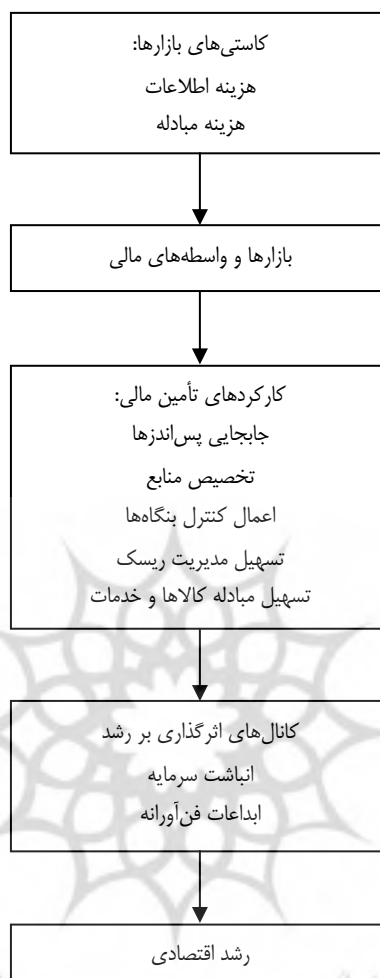
1. Capital Accumulations
2. Technological Innovations
3. Mayer

۴. لوین (۱۹۹۷) مدل‌های کلان رشد ارائه شده توسط اقتصاددانان مختلف را معرفی کرده است که کانال‌های اثرگذاری بازارهای مالی بر نرخ رشد تعادلی اقتصاد را نشان می‌دهند.

5. McKinnon
6. Shaw
7. Goldsmith

۸. این مطالعات در حوزه نظری، مطالعات گرین وود و جووانویچ (۱۹۹۰)، لوین (۱۹۹۱)، بنسیونگا و اسمیت (۱۹۹۱)، سینت پاول (۱۹۹۲)، کینگ و لوین (1993a)، بنسیونگا، اسمیت و استار (۱۹۹۵) را شامل می‌شوند.

۹. مجینسون (۲۰۰۳) و لاپورتا، دیسیلانس و شلیفر (۲۰۰۲) و لیو و سو (۲۰۰۶) مطالعات نظری و تجربی متعدد ارائه شده در این باره را نیز معرفی می‌کنند.



نمودار (۱): رابطه میان نظام مالی و رشد اقتصادی

منبع: لوین، ۱۹۹۷: ۶۹۱

نتیجه اساسی مطالعات مذکور این است که برای دستیابی به رشد پایدار لازم است نظام مالی و بانکی کشور به بلوغ لازم برسد و بتواند پویایی و استمرار را در مسیر رشد ایجاد کند. با توجه به روند جهانی‌سازی اقتصادهای ملی و افزایش حجم تجارت کالاها و خدمات و جریان سرمایه میان کشورها در دهه‌های اخیر، ورود به بازارهای مالی بین‌المللی و ایفای نقش در جریان‌های مالی بین‌المللی،

یکی از ابعاد مهم بلوغ و توسعه یافتگی نظام مالی کشورها را شکل می‌دهد. عدم ورود نظام مالی و بانکی کشور به بازارهای مالی بین‌المللی، تأمین مالی تجارت خارجی و نیز تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌کند. با توجه به این ضرورت، کشورهای درحال توسعه برای ورود به بازارهای بین‌المللی و همگامی با اقتصاد جهانی، استراتژی ایجاد مراکز آزاد اقتصادی و تجاری و مراکز مالی فرامرزی را طی چند دهه اخیر دنبال کرده‌اند و با استفاده از این راهکار، ضمن ورود به بازارهای مالی بین‌المللی، تلاش کرده‌اند محدودیت‌های تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌هایشان را مرتفع کنند.

جدول (۴): مطالعات تجربی مهم درباره ارتباط توسعه مالی و رشد اقتصادی

ردیف	تاریخ	نویسندگان	موضوع
۱	1993a	کینگ و لوین	رابطه مثبت رشد اقتصادی و توسعه مالی بر طبق داده‌های مقطعی کشورهای مختلف
۲	1993b		
۳	۱۹۹۶	دیمیتریادس و حسین ^۱	پیشرو بودن بخش تأمین مالی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی بر اساس داده‌های سری زمانی ۱۶ کشور
۴	۱۹۹۸	راجان و زینگالز ^۲	توسعه مالی با کاهش هزینه‌های تأمین مالی برای بنگاه‌های اقتصادی موجب افزایش رشد و دستیابی به توسعه اقتصادی می‌شود.
۵	۱۹۹۸	دمیرگاک کانت و ماکسیموویچ ^۳	نهادهای مالی نقش حیاتی در رشد و توسعه بنگاه‌ها و صنایع مختلف دارند.
۶	۱۹۹۸	لوین و زروس ^۴	بر طبق اطلاعات ۴۷ کشور از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۳ کارایی سیستم بانکی برای نیل به توسعه اقتصادی مهم است.
۷	۲۰۰۱	لی، چیچ، وینر و پلگرین ^۵	میان توسعه مالی و رشد اقتصادی برای کشورهای اوای سی دی ^۶ همبستگی وجود دارد (سایت در لیو سو، ۲۰۰۶)
۸	۲۰۰۶	لیو و سو ^۷	نظام مالی و توسعه آن، بر رشد اقتصادی سه کشور ژاپن، کره و تایوان اثر مثبت داشته است.

1. Demetriades and Hussein
2. Rajan and Zingales
3. Demirguc-Kunt and Maksimovic
4. Levine & Zervos
5. Leahy, Schich, Wehinger and Pelgrin
6. OECD
7. Liu and Hsu

۳. مراکز تأمین مالی فرامرزی

۳-۱. انواع مراکز تأمین مالی فرامرزی

ویژگی مراکز تأمین مالی فرامرزی این است که محیط قانونی آنها به لحاظ حقوقی متفاوت و متمایز با آنچه است که درون مرزها وجود دارد (هادسن^۱، ۱۹۹۸: ۹۱۸). ویژگی خاص این مراکز، ارائه خدمات مالی است که سودآوری، امنیت و حفظ اسرار را در یک بسته جذاب ترکیب می‌کند (هادسن، ۱۹۹۸: ۹۱۹). کاب^۲ (۱۹۹۸) مراکز تأمین مالی فرامرزی را میزبان نوعی از فعالیت‌های مالی می‌داند که از واحدهای مقرراتی اصلی و داخلی بر اساس قانون یا ناحیه جغرافیایی مجزا شده هستند. این تفکیک می‌تواند مانند جزایر فیزیکی یا مانند لندن و نیویورک، غیرفیزیکی و در داخل یک شهر باشد (کاب، ۱۹۹۸: ۸).

اریکو و موسالم^۳ (۱۹۹۹) نیز بانکداری فرامرزی را واسطه‌گری وجوه میان مرزها و ارائه خدمات توسط بانک‌های مقیم در مراکز مالی فرامرزی به افراد غیرمقیم می‌دانند. طبق تعریف ایشان، عموماً بانک‌های فرامرزی با سایر نهادهای مالی، مبادله مالی را انجام می‌دهند و فعالیت‌های عمده بانکی را با پولی غیر از واحد پول کشور میزبان شکل می‌دهند (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۵). عملیات فرامرزی معمولاً از طریق تأسیس شعبه یا یک واحد حقوقی مستقل توسط بانک در مناطق فرامرزی انجام می‌شود. در حالتی که شعبه وجود داشته باشد، بیشتر وابسته به بانک مادر است و برای ثبت دفتری مبادلات بین‌المللی، بانک مادر به کار گرفته می‌شود (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۳).

به‌طور دقیق‌تر می‌توان گفت فرامرزی به معنی قلمرو قانونی است که میزان شدت الزام و کاربرد مقررات توسط دولت در آن متفاوت است و مالیات نیز جزئی از آن می‌باشد. طبق این تعریف، سه نوع قلمرو فرامرزی می‌تواند وجود داشته باشد:

۱- قلمرو فیزیکی و محدوده‌هایی که عموماً نزدیک فرودگاه‌ها و گمرکات هستند، مانند مناطق

پردازش صادرات

-
1. Hudson
 2. Cobb
 3. Errico and Musalem

۲- محدوده‌های قانونی یا مجازی مانند خدمات بانکداری بین‌المللی و مراکز تأمین مالی فرامرزی
 ۳- قلمروهای قانونی و فیزیکی مقررات‌زدایی شده خاص که بسیاری از آنها جزایر کوچک را
 شامل می‌شوند (پالان^۱، ۱۹۹۸: ۶۵).

اریکو و موسالم (۱۹۹۹) نیز مراکز مالی را به سه نوع اصلی^۲، فرعی^۳ و دفتری^۴ تقسیم‌بندی می‌کنند. مراکز اصلی تأمین مالی فرامرزی، مراکز بزرگی هستند که کلیه خدمات بین‌المللی را با نظام تسویه و پرداخت پیشرفته ارائه می‌کنند و در بازار منطقه‌ای نقدی عمل می‌نمایند که منابع و نیز مصارف وجوه در دسترس است. لندن، واحدهای بانکداری بین‌المللی (IBF)^۵، ایالات متحده و بازار فرامرزی ژاپن (JOM)^۶ مراکز اصلی هستند. مراکز فرعی با مراکز اصلی این تفاوت را دارند که بر اساس اینکه منطقه مزاد یا کسری منابع را دارا است، عمل واسطه‌گری وجوه را در داخل یا خارج از منطقه خود انجام می‌دهند. در شرق آسیا، هنگ‌کنگ و سنگاپور، در خاورمیانه بحرین و لبنان، در آمریکای لاتین پاناما و در اروپا لوکزامبورگ از این قبیل مراکز هستند. مراکز دفتری به واسطه‌گری وجوه در منطقه خود نمی‌پردازند، بلکه فقط مبادلاتی که در سایر مناطق انجام می‌شود، در آنها ثبت می‌گردد. این مراکز عموماً از معافیت مالیاتی ("بهشت مالیاتی")^۷ برخوردار هستند که بیشتر جزایر دریای کارائیب را شامل می‌شوند (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۳-۱۲).

رابرتس^۸ (۱۹۹۴) نیز مراکز تأمین مالی فرامرزی را بر اساس حجم خدماتی که ارائه می‌کنند، طبقه‌بندی می‌نماید. وی بر این اساس، دو نوع مرکز را معرفی می‌کند:

- مراکز عمده و مهم^۹ (مانند هنگ‌کنگ، سنگاپور، باهاما)

- مراکز فرعی یا حاشیه‌ای^{۱۰} (مانند مالت، هلند)

1. Palan
2. Primary
3. Secondary
4. Booking
5. International Banking Facilities (IBFs)
6. Japanese Offshore Market (JOM)
7. Tax Heaven
8. Roberts
9. Major
10. Minor

به طور کلی، می‌توان مراکز مالی فرامرزی را نواحی دانست که در آن عملیات مالی، مجزا از نظام مالی داخلی یک کشور و با پولی غیر از واحد پول رسمی آن کشور انجام می‌شود و تا حدود زیادی، فارغ از محدودیت‌ها و قواعدی هستند که بر نظام مالی داخلی اعمال می‌شود. در رابطه با نوع مرکز، آنچه می‌توان در نگاه اول مورد توجه قرار داد، این است که در حال حاضر، نمی‌توان به دنبال مراکزی بود که در دسته‌بندی‌های جهانی، عمده تلقی می‌شوند، زیرا این مراکز در کشورهایی ایجاد شده‌اند که از عمق مالی بسیار بالایی برخوردار هستند و زودتر از سایر کشورهای همجوار، به توسعه اقتصادی و مالی رسیده‌اند. از طرف دیگر، ایجاد مراکز دفتری نیز بدون عملیات واقعی، مطلوب نیستند و کارکردهای مورد نظر را نخواهند داشت. بنابراین گزینه مطلوب برای ورود به بازارهای مالی فرامرزی، ایجاد مراکز مالی فرامرزی از نوع ترکیبی است که همراه با برخورداری از مزایای قانونی و مالیاتی برای جذب مؤسسات و بانک‌های بین‌المللی، ایده ورود به بانکداری بین‌المللی و حضور قابل توجه در آن را محقق سازد.

۳-۲. فعالیت‌ها و خدمات تأمین مالی فرامرزی

فرامرزی به معنای اموری متفاوت از امور داخلی، برای افرادی غیر از افراد داخل مرزهای کشور است. از این رو، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های چندملیتی نیز اغلب فرامرزی نامیده می‌شود. موضوعات زیر می‌تواند با امور فرامرزی مرتبط باشد:

- ۱- خدمات وصایت و وکالت و نمایندگی برای خانواده‌ها و اشخاص در سطح بین‌المللی
- ۲- مبادلات میان ارزهای مختلف
- ۳- خدمات خزانه‌داری جهانی
- ۴- صندوق سرمایه‌گذاری فرامرزی
- ۵- صندوق مشترک سرمایه‌گذاری برای عملیات‌های بین‌المللی
- ۶- فرایند صادرات فرامرزی
- ۷- ثبت کشتی‌ها
- ۸- اجاره هواپیماها
- ۹- بیمه و غیره (پالان، ۱۹۹۸: ۶۴).

هر یک از موارد فوق، یکی از ابعاد همگامی با اقتصاد جهانی را پوشش می‌دهد، اما با توجه به موضوع تحقیق حاضر، بیشتر بر ابعاد مالی تمرکز می‌کنیم. در بخش مالی می‌توان گفت دو بازار مهم برای فعالیتهای مالی فرامرزی وجود دارد:

۱- بازار ارز فرامرزی^۱ یا بازار دلار اروپایی^۲

۲- بازار اوراق قرضه فرامرزی^۳ یا بازار اوراق قرضه اروپایی^۴ (پالان، ۱۹۹۸: ۶۵).

یکی از دلایل رشد فعالیت مراکز مالی دریای کارائیب این بوده است که ثبت دفتری مبادلات مالی بین‌المللی که در سایر مراکز مالی به لحاظ واقعی انجام می‌شود، در این مراکز صورت می‌گیرد (باتا چاریا^۵، ۱۹۸۰). همان‌طور که همپتون و کریستینسن نیز بیان می‌کنند، از دهه ۶۰ به بعد، خدمات متنوعی شامل مدیریت دارایی‌ها برای افراد ثروتمند، از طریق نگهداری دارایی‌ها به صورت امانی و کمپانی‌های فرامرزی، ابزارهای تخصصی شرکت‌های فرامرزی نظیر شرکت‌های تجاری بین‌المللی و خدمات بیمه‌ای (بیمه داخلی یا خودی^۶ و بیمه وجوه فرامرزی) ارائه می‌شود و هر یک از مراکز فرامرزی، در یکی از این حوزه‌ها تخصصی شده‌اند و نقش خاص خود را در بازار مالی بین‌المللی ایفا می‌کنند (هامپتون و کریستینسن، ۲۰۰۲: ۱۶۵۸).

بانک‌های فرامرزی عموماً چند نوع مبادله انجام می‌دهند: وام‌های به ارز اروپایی (شامل وام‌های سندیکایی) و سپرده‌ها به ارزهای اروپایی، تضمین و انتشار اوراق قرضه اروپایی و مبادله خارج از بورس مشتقات مالی برای انجام مدیریت ریسک یا به منظور سفته‌بازی (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۳). مبادلات به ارز اروپایی میان بانک و قرض‌گیرندگان و میان بانک‌ها انجام می‌شود. بخش عمده‌ای از این مبادلات را مبادلات بین بانکی تشکیل می‌دهد. در دسامبر ۱۹۹۷، ۷۲ درصد از

1. Offshore Currency Market

2. Eurodollar Market

3. Offshore Bond Market

4. Eurobond Market

5. Bhattacharya

6. Captive Insurance

بیمه داخلی یا خودی، بیمه‌ای است که توسط یک شرکت بیمه خودی یا داخلی (captive insurance company) انجام می‌شود. این شرکت بیمه را یک شرکت بزرگ مادر ایجاد می‌کند تا امور بیمه‌ای‌اش را توسط آن انجام دهد و در عین حال، عایدی حاصل از شرکت بیمه را نیز کسب کند. این تعریف توسط دکتر فرهنگ در فرهنگ اصطلاحات اقتصادی بیان شده است.

دارایی‌های برون‌مرزی و ۵۲ درصد از تعهدات برون‌مرزی بانک‌ها به مبادلات بین بانکی مربوط می‌شد. تضمین و پشت‌نویسی اوراق قرضه اروپایی شناور در بازار پول و سرمایه بین‌المللی نیز بخش مهمی از فعالیت‌های بانکداری فرامرزی را تشکیل می‌دهند. در دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۲، مانده ابزارهای مالی بازار پول بین‌المللی که در مراکز مالی فرامرزی منتشر شده بود، سالیانه ۲۰.۲ درصد رشد کرد و در پایان سال ۱۹۹۷، به ۷۴۶ میلیارد دلار رسید که ۲۱.۱ درصد از کل ابزارهای مالی بازار پول بین‌المللی را تشکیل می‌داد (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۴). ساس^۱ (۲۰۰۲) نیز خدمات مراکز مالی فرامرزی را شامل سرمایه‌گذاری برای اشخاص و برنامه‌ریزی برای دارایی‌های آنها می‌داند (ساس و دیگران، ۲۰۰۲: ۴؛ رابرتس، ۱۹۹۵: ۲۴۴).

همان‌طور که تحلیل‌های فوق نشان می‌دهد، عمده‌ترین فعالیت بانکداری فرامرزی، به عملیات بین بانکی اختصاص دارد. پس از آن تأمین مالی بین‌المللی از طریق انتشار اوراق قرضه و وام‌های سندیکایی، بخش مهمی از خدمات مالی فرامرزی را تشکیل می‌دهد. به لحاظ خدمات فردی نیز بانکداری شخصی، شامل مدیریت دارایی‌ها و ثروت و خدمات امانی و وکالت همزمان با رشد فعالیت‌های بانکداری فرامرزی در این مناطق گسترش یافته است. در واقع، بانک‌های بین‌المللی و بزرگ از فعالیت‌های فرامرزی برای ارائه خدمات سرمایه‌گذاری به مشتریان ثروتمند خود استفاده می‌کردند. مهمترین مزیت ارائه خدمات مذکور به این افراد در قالب فعالیت‌های فرامرزی، عدم افشای اطلاعات مالی و معافیت‌های مالیاتی بوده است. چه همانند کیمان، فعالیت‌های مالی فرامرزی فقط به صورت ثبت دفتری باشد و چه مانند بحرین، فعالیت‌ها و عملیات واقعی با تأسیس شعبه و استخدام کارکنان برای ارائه خدمات انجام شود، این خدمات و فعالیت‌ها در قالب بانکداری فرامرزی انجام می‌شود.

۳-۳. سابقه مراکز تأمین مالی فرامرزی

بازارهای اروپایی^۲ (در مقابل بازار مالی ایالات متحده برای انجام مبادلات مالی با دلار آمریکا) یک بازار مالی مقررات‌زدایی شده است که در اواخر سال ۱۹۵۸ در لندن ایجاد شد. در واکنش به محدودیت‌های اعمال شده بر مبادلات پوند استرلینگ توسط دولت بریتانیا، بانک‌های انگلیسی و سایر

1. Suss

2. Euromarkets

بانک‌های بین‌المللی تصمیم گرفتند از دلار ایالات‌متحده در مبادلات بین‌المللی استفاده کنند. بر این اساس، مبادلات میان افراد غیرمقامی که توسط بانک‌های موجود در لندن (چه انگلیسی و چه غیر انگلیسی) واسطه‌گری می‌شد، به عنوان مبادلات مالی فرامرزی در نظر گرفته شد که خارج از قوانین، مقررات و نظارت دولت بریتانیا قرار داشت. در نتیجه بازار اروپایی، ابزاری برای ثبت دفتری مبادلات خارجی بود که جدا از دفاتر مبادلات مالی و سرمایه‌ای داخلی ثبت می‌شد. از اوایل دهه ۷۰ میلادی، خدمات بازار اروپایی به سایر ارزهای مهم و معتبر^۱ تعمیم یافت و اکنون بیشتر از اصطلاح فرامرزی به جای اصطلاح بازار اروپایی استفاده می‌شود (پالان، ۱۹۹۸: ۶۵).

از سوی دیگر، اریکو و موسالم (۱۹۹۹) نیز بیان می‌کنند که تحمیل الزامات ذخیره قانونی، سقف‌های نرخ بهره، اعمال محدودیت بر دامنه محصولات مالی، کنترل سرمایه، رویه‌های شفاف‌سازی مالی و مالیات مؤثر بالا در بسیاری از کشورهای OECD، موجب پیدایش بانکداری فرامرزی شدند. از سوی دیگر، موجب ارتقای قانون محدودکننده اعطای اعتبار به خارجی‌ها در ایالات‌متحده بازار ارز اروپایی به‌ویژه در قالب دلار شدند (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۶). در آسیا از سال ۱۹۶۸، سنگاپور و ژاپن بازار بانکی فرامرزی در آسیا را تشکیل دادند. در خاورمیانه نیز این تلاش توسط بحرین در اواسط دهه ۷۰ آغاز شد (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۷). جدول (۵) لیست مناطق و کشورهای دارای مراکز مالی فرامرزی را نشان می‌دهد.

توسعه مراکز تأمین مالی فرامرزی در جزایر باهاما و کیمان در دهه ۱۹۶۰، بر اساس معافیت‌های مالیاتی‌شان امکان‌پذیر شد که ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی نیز در پیدایش آنها نقش داشتند. به لحاظ داخلی هر دو کشور به دنبال راهی برای افزایش درآمدها بودند، زیرا منابع درآمدی سنتی آنها به تدریج کاهش یافته بود. بهترین منبع توسعه آنها، ایجاد محیط قانونی مناسب برای خدمات مالی بود. این شرایط با خواست کنشگران خارجی همراه شد که به دنبال مکانی سودآور و امن برای فعالیت‌های مالی‌شان بودند. این خواست با تلاش دولت ایالات‌متحده برای کنترل جریان خروج سرمایه تشدید شد. منع انجام عملیات بانکی میان ایالات، تفکیک میان بانک‌های تجاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری، در نظر گرفتن سقف برای نرخ بهره و الزامات سپرده قانونی، رقابت‌پذیری بسیاری از بانک‌های مهم ایالات‌متحده در داخل مرزهای آنها را از بین برد و موجب شد آنها به فعالیت‌های برون‌مرزی گرایش پیدا کنند. در نتیجه، بازارهای اروپایی

که عمدتاً در لندن مستقر بودند، به سرعت توسعه یافتند. اما برخی از بانک‌های کوچک‌تر در مواجهه با هزینه‌های بالای زیرساختی در لندن دریافتند که مراکز مالی کارائیب، محیط قانونی ارزان‌تر، اما با جذابیت یکسان با لندن را فراهم می‌کنند که از مزیت‌هایی مانند عدم کنترل مبادلات ارزی، عدم تعیین سقف‌های نرخ بهره و سپرده قانونی برخوردار است، ضمن آنکه در منطقه زمانی مانند نیویورک قرار دارد. در نتیجه، این بانک‌ها عملیات بازار اروپایی‌شان را به منطقه کارائیب منتقل کردند. در ضمن، این مکان‌ها محیط امن و باثباتی (به لحاظ سیاسی) با تسهیلات ارتباطی مناسب فراهم کردند. این عوامل موجب گسترش فعالیت مراکز مالی فرامرزی در جزایر کارائیب به‌ویژه کیمان و باهاما شدند (هادسن، ۱۹۹۸: ۲۰-۹۱۹).

جدول (۵): کشورها و مناطق دارای مراکز تأمین مالی فرامرزی

افریقا	آسیا و اقیانوس آرام	اروپا	خاور میانه	نیمکره غربی
جیبوتی	استرالیا	اتریش	بحرین	آنتیگوا
لیبریا	جزایر کوک	آندورا	دوبی	آنگویلا
موریس	گوام	کامپیون	لسرئیل	آروبا
سیشل	هنگ کنگ	قبرس	کویت	باهاما
تنجیر	ژاپن (۱)	جبل الطارق	لبنان	باربادوس
	ماکائو	جورنسی	عمان	بلیز
	مالزی (۲)	مجارستان		برمودا
	ماریانز	ایرلند (۵)		جزایر ویرجین بریتانیایی
	جزایر مارشال	سارک و جزیره‌مان		جزایر کیمان
	میکرونزی	چرسی		کاستاریکا
	ناورو	لیختن اشتاین		دومینکن
	نائو	لوکزامبورگ		گرانادا
	فیلیپین	مالت		مونتسرات
	سنگاپور (۳)	مادیرا		آنتیلس هلند
	تایلند (۴)	موناکو		سنت کریستوفر و نویس
	وانواتو	هلند		سنت لوسیا
	ساموای غربی	روسیه		پاناما
		سوئیس		پورتوریکو
		بریتانیا (۶)		سنت وینسنت و گرنادین
				جزایر تورکس و کایکو
				ایالات متحده (۷)
				اروگوئه

منبع: اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۱۱

(۱) بازار فرامرزی ژاپن (JOM)، (۲) لایوان، (۳) واحدهای پول آسیایی (ACUs)، (۴) واحدهای بانکداری بین‌المللی بانکوک (BIBFs)، (۵) دوبلین، (۶) لندن، (۷) واحدهای بانکداری بین‌المللی ایالات متحده در نیویورک، میامی، هوستون، شیکاگو و لوس آنجلس - سان فرانسیسکو.

بحرین نیز که در اوایل دهه ۷۰، فعالیت بانکداری فرامرزی را آغاز کرد، پس از تأسیس مرکز مالی فرامرزی، به سرعت با رشد و استقبال بانک‌های بین‌المللی مواجه شد. معافیت از تودیع سپرده قانونی نزد بانک مرکزی، عدم تعلق مالیات به درآمد بهره‌ای سپرده‌گذاران و معافیت بانک از مالیات بر درآمد، در شروع کار از انگیزه‌های بانک‌های بین‌المللی برای حضور در بحرین بود. از سوی دیگر، افزایش قیمت نفت و مزاد تراز پرداخت کشورهای منطقه در آن دوران، موجب شد بانک‌ها تصور کنند وجوه مزاد قابل توجهی در اختیار دولت‌های منطقه وجود دارد که قابل جذب است. از سوی دیگر، شرایط تجاری بحرین مساعد بود، زیرا در دولت بحرین ثبات سیاسی وجود داشت و به لحاظ اقتصادی طرفدار سیاست‌های دست نامرئی بود. قواعدی که محدودکننده فعالیت بنگاه‌های خصوصی باشد، بسیار کم بود، به‌ویژه آنکه مبادلات ارزی و تجاری کاملاً آزاد بود. تسهیلات و امکانات زیرساختی که در دسترس بانک‌ها قرار داشت نیز کافی بود. ارتباطات و حمل‌ونقل مناسب و بازار کار نیز نیروی کار ماهر و مناسب را فراهم می‌کرد. کمی فضاها اداری و تجاری تنها مشکل بود که با ساخت‌وسازهای به موقع و کافی، این کمبود نیز برطرف شد. در نتیجه، در طی چند سال فعالیت‌های مالی در بحرین به حد سنگاپور رسید. در بحرین واحدهای بانکی باید شعبه‌ای (و نه زیرمجموعه و شخصیت حقوقی مستقلی) از بانک مادر و کاملاً عملیاتی باشند (سراکیس و روسس والس، ۱۹۸۴: ۲۷۲).

به‌طور کلی، تحلیل‌های مذکور نتیجه مهمی دارد که عبارت است از اینکه عموماً شکل‌گیری مراکز مالی فرامرزی به رشد و توسعه بازارهای اروپایی وابسته بوده است (رابرتس، ۱۹۹۴). در واقع، روند تاریخی شکل‌گیری مراکز مذکور نشان می‌دهد که پیدایش و رشد این مراکز، ناشی از ضرورت وجود مکانی برای انجام مبادلات بانکی بین‌المللی خارج از محدودیت‌های قانونی اعمال شده بر نظام بانکی داخلی به منظور تداوم سودآوری نظام بانکی و پاسخگویی به نیازهای مالی بین‌المللی بوده است. چنین ضرورتی موجب شد مکان‌هایی که از زمینه‌های لازم برای میزبانی این فعالیت‌ها برخوردار بودند و مهم‌تر از آن، چنین ضرورتی توسط مسئولان آنها درک شده بود، بتوانند با تدوین استراتژی توسعه مناسب برای بخش مالی از مزیت‌های خود استفاده کنند. برای ایفای چنین نقشی لازم بود مناطق مذکور، زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی لازم را ایجاد کنند و محیط باثبات اقتصادی و سیاسی را تضمین نمایند.

اما نکته مهم دیگر این است که - همان طور که در مقدمه نیز بیان شد - بر اساس روندهای اقتصادی و مالی جهانی، یک بازار مالی بین‌المللی فرامرزی ایجاد شده است و تأسیس مراکز تأمین مالی فرامرزی برای اکثر کشورها، یک راه اتصال و ورود به بازارهای پول و سرمایه بین‌المللی محسوب می‌شود و کاملاً وابسته به استراتژی توسعه کشور و مؤثر بر آن است. به عنوان مثال، رابرتس (۱۹۹۵) معتقد است که کشورهای حوزه دریای کارائیب، راهی جز بازگشایی اقتصاد خود به بازار اقتصاد امریکای شمالی نداشتند، بنابراین راه‌حل اساسی آنها، تأسیس مراکز مالی فرامرزی برای جذب سرمایه و ورود به بازارهای سرمایه بین‌المللی به عنوان یک استراتژی توسعه بود (رابرتس، ۱۹۹۵: ۲۵۱). بنابراین لازم است تبعات و الزامات گزینش این استراتژی به عنوان راهی برای ورود به بازارهای سرمایه بین‌المللی توسط کشورمان نیز بررسی شود. بدیهی است شرایط منطقه‌ای و اقتضات درونی کشور، دو بعد اساسی هستند که تعریف‌کننده اهداف مورد نظر از ایجاد مراکز مالی فرامرزی محسوب می‌شوند. ظاهراً در گام اول لازم است واقعیات دیدگاه‌های بین‌المللی و شرایط منطقه‌ای و نیز نیاز نظام مالی کشور مورد توجه قرار گیرد و متناسب با آن، کارکردهای مورد انتظار از تأسیس مراکز مالی فرامرزی ترسیم شود. در واقع، نکته قابل تأمل این است که ممکن است بسیاری از کارکردهای مورد انتظار و معمول از مراکز مالی فرامرزی برای ایران متصور نباشد. در بخش بعدی تلاش می‌شود نقش و کارکرد این مراکز، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که از تأسیس مراکز مالی فرامرزی، انتظار می‌رود چه چیز به دست آید. این کار کمک می‌کند بدانیم تا چه حد قادر هستیم اهداف مورد نظر خود را از طریق تأسیس مراکز مالی فرامرزی محقق سازیم، این مناطق با کارکردی که دارند، چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ آیا این اهداف با نیازها و اقتضات موجود در کشور تناسبی دارند یا خیر؟

۳-۴. نقش و کارکرد مراکز تأمین مالی فرامرزی

بسیاری از محققان و اندیشمندان علوم انسانی معتقدند که فرایند جهانی شدن و ارتباطات با وجود نقش سنتی دولت‌ها امکان پذیر نیست. از این منظر، وجود مناطق فرامرزی که خارج از محدودیت‌ها و مقررات دولت هستند، تسهیل‌کننده فرایند مذکور تلقی می‌شوند تا بتوان فعالیت‌های اقتصادی را بدون وجود موانع دولتی گسترش داد. بنابراین اقتصاد فرامرزی، قلمرو و محدوده نسبتاً

مقررات‌زدایی شده‌ای است که مبادلات اقتصادی در آن با کمترین دخالت دولت انجام می‌شود (پالان، ۱۹۹۸: ۶۴). اریکو و موسالم (۱۹۹۹) نیز معتقدند که بانکداری فرامرزی برای محیط‌هایی که بازارهای مالی، بسیار تنظیم شده و قانونمند هستند، اما اقتصاد آنجا در حال رشد و ظهور است و به رشد پایداری در زمینه تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌هایش نیاز دارد، گزینه‌ای مطلوب و مناسب است (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۴).

در سطح کلان باید گفت که عدم تقارن میزان تکامل نهادی میان کشورهای پیشرفته و ایران، ساختارها و قواعد سازمانی کهنه و پوسیده، نهادهای عقب‌برنده و بیمار صنعتی و تجاری و عدم تکامل نهادی نظام مالی و بانکی کشور، نیازمند یک دوره بازسازی است. این بازسازی و تجدید حیات برای ورود به بازارهای بین‌المللی، تنفس در فضای غیررانتی و خارج از محدودیت‌ها و دخالت‌های ناکارای دولتی، فقط زمانی امکان‌پذیر است که بتوان از طریق تأسیس مناطق آزاد تجاری و مالی، رویارویی و تعامل هدفمند و برنامه‌ریزی شده‌ای با نظام بین‌المللی برقرار کرد و در بلندمدت به سطح قابل قبولی از تکامل نهادی دست یافت. از این رو، تأسیس مراکز مالی فرامرزی به عنوان راهکاری برای دستیابی به یک هدف آرمانی توسعه‌ای برای کشورمان قابل طرح است. در واقع، در ابعاد کلان توسعه‌ای، تأسیس مراکز مالی فرامرزی، راهکاری برای ورود به بازار پول و سرمایه بین‌المللی و دستیابی به جایگاه خاص در این بازار محسوب می‌شود. مزیت راهکار مذکور، این است که با کنارگذاستن محدودیت‌ها و قواعد ناکارایی که بر نظام مالی و اقتصادی داخلی تحمیل می‌شود، تا حدود زیادی توان تعامل با نظام توسعه‌یافته مالی بین‌المللی را به دست آورد.

اما علاوه بر این ملاحظات و اهداف آرمانی، تأسیس مراکز مالی فرامرزی، کارکردهای بخشی و کوتاه‌مدت نیز دارد. تا اواخر دهه ۹۰، توجه به مراکز فرامرزی، به ملاحظات بخش درآمدی دولت‌ها محدود بود که مهمترین وجه آن را معافیت مالیاتی تشکیل می‌داد. در واقع، دولت‌های این جزایر کوچک، از دهه ۱۹۶۰ که تأمین مالی فرامرزی به میزان بسیاری رشد کرد، این صنعت را فرصتی مناسب برای تنوع‌بخشی به درآمدشان می‌دیدند که عمدتاً از طریق توریسم و فعالیت‌های کارخانه‌های کوچک محقق می‌شد. از این رو، دولت بریتانیا از جزایر کوچک اطرافش خواست که برای کاهش وابستگی به کمک‌های بریتانیا، از معافیت مالیاتی استفاده کنند تا بتوانند سرمایه‌ها را

جذب نمایند. سایر کشورها مانند آلمان و فرانسه نیز در این باره واکنش خاصی نشان ندادند، زیرا درک کردند که نمی‌توانند عکس‌العمل اثربخشی در مقابل آن داشته باشند (رابرتس، ۱۹۹۵: ۲۵۱، هامپتون و کریستینسن، ۲۰۰۲: ۱۶۶۴). بنابراین، یکی از کارکردهای اساسی مراکز تأمین مالی فرامرزی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی در اقتصاد منطقه است.

اما یکی از آثار مهم ایجاد مناطق تأمین مالی فرامرزی، تأثیر بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری و اشتغال است. پارک^۱ (۱۹۸۲) استدلال می‌کند که میزبانی مراکز تأمین مالی فرامرزی می‌تواند بین‌المللی کردن اقتصاد محلی با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ایجاد دانش و تجارب تخصصی را به دنبال داشته باشد و کمک کند صنایع محلی از نظر بین‌المللی، توان رقابت پیدا کنند (پارک، ۱۹۸۲). اریکو و موسالم (۱۹۹۹) نیز در خصوص دلایل ایجاد مراکز مالی فرامرزی توسط کشورها به سه مورد زیر اشاره می‌کنند:

- دسترسی به بازارهای سرمایه بین‌المللی

- جذب مهارت‌ها و تخصص‌های فنی خارجی مورد نیاز

- ایجاد رقابت در بازار مالی داخلی (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۶).

سراکیس و روسس والس^۲ (۱۹۸۴) نیز آثار تأسیس مراکز مالی فرامرزی بر اقتصاد بحرین را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به اینکه هدف بحرین از این کار، تبدیل شدن به مرکز خدماتی منطقه بوده، توانسته است به رشد قابل ملاحظه‌ای در فعالیت‌های بانکی‌اش برسد. آنها یکی از مهمترین آثار فعالیت بانکداری فرامرزی در بحرین را کاهش تفاوت میان نرخ بهره سپرده و وام از طریق افزایش رقابت می‌دانند. علاوه بر این، آثار مثبت مستقیم بانکداری فرامرزی را افزایش اشتغال، درآمد دولت، درآمد ملی، سود مبادلات ارزی و آثار غیرمستقیم آن را آموزش حین خدمت کارکنان بومی از نحوه خدمات بانکی و یادگیری تخصص‌ها و مهارت‌های آن و افزایش گردشگری تلقی می‌کنند (سراکیس و روسس والس، ۱۹۸۴: ۲۸۹). بنابراین می‌توان انتظار داشت اگر تأسیس مراکز مالی فرامرزی با هدفمندی انجام شود و با قواعد اجرایی و ابزار و لوازم مناسب توأم شود، می‌تواند حتی در کوتاه‌مدت بر سطح اشتغال، میزان درآمد منطقه و منابع درآمدزایی، سطح مهارت نیروی کار و تکنولوژی آثار مثبتی داشته باشد.

1. Park

2. Cerakis and Rocenvalles

اما نکات قابل تأمل دیگری نیز از نحوه شکل‌گیری مراکز مالی فرامرزی قابل درک است. رابرتس (۱۹۹۴) مراکز تأمین مالی فرامرزی را "دسته‌های منطقه‌ای"^۱ توصیف می‌کند و معتقد است مهمترین دلیل آشکار برای شکل‌گیری مراکز تأمین مالی فرامرزی، مناطق زمانی^۲ می‌باشد، به طوری که هر دسته از این مراکز، به یکی از شهرهای مالی جهانی نزدیک است. مثلاً مراکز دریای کارائیب به نیویورک و مراکز اروپایی به لندن و مراکز جنوب شرقی آسیا به ژاپن نزدیک هستند (کاب، ۱۹۹۸: ۹). این مسئله می‌تواند مزیتی برای این مناطق محسوب شود. اولاً با برخورداری از هزینه‌های تأسیس، ثبت و نیز هزینه‌های انسانی، اداری نسبتاً کمتر از شهرهای اصلی مانند نیویورک، لندن و ژاپن، نهادها و مؤسسات مالی و بانکی، با تأسیس دفتر و نمایندگی در این مناطق، فعالیت خود را در این مناطق متمرکز می‌کنند. زیرا با این کار قادر هستند ضمن آنکه هزینه‌های ثابت و متغیر نسبتاً کمتری را متحمل می‌شوند، به دلیل انطباق زمانی فعالیت این مراکز با مراکز اصلی، با نهادها و مؤسسات فعال در مراکز اصلی نیز وارد مبادله شوند. در واقع، این انطباق زمانی موجب می‌شود، نهادها و مؤسسات مالی فعال در مراکز فرعی، با تحولات قیمتی در بازارهای اصلی جهانی همراه شوند و از طریق مبادله با نهادهای فعال در مراکز اصلی، ریسک‌های خود را پوشش دهند.

اما علاوه بر نزدیکی و انطباق با زمان عملیات هر یک از این مناطق اصلی، قرار گرفتن در فاصله زمانی میان دو مرکز اصلی نیز می‌تواند مزیت محسوب شود، زیرا در این صورت می‌توان با آگاهی از تحولات بازار در یک مرکز اصلی و تعطیلی آن، مبادلات لازم برای جبران و پوشش ریسک را با شروع به کار مرکز اصلی دیگر انجام داد. به عنوان مثال، سراکیس و روسس والس (۱۹۸۴) یکی از دلایل موفقیت بحرین در فعالیت بانکداری فرامرزی را به منطقه زمانی آن مربوط می‌دانند که میان منطقه زمانی ژاپن و لندن قرار گرفته است. سراکیس و روسس والس، ۱۹۸۴: ۲۷۵).

اما علاوه بر این کارکردهای مثبت، آثار منفی فعالیت‌های مالی فرامرزی نیز مورد توجه قرار گرفته است. اولین مسئله‌ای که وجود دارد، این است که با توجه به اینکه در این مناطق مقررات سهل‌تری بر فعالیت‌های مالی و بانکی اعمال می‌شود، خطر ورشکستگی بانک‌ها در آن بیشتر است، به طوری که به عنوان مثال، فعالیت‌های بانکداری فرامرزی یکی از عوامل بروز بحران‌های مالی در

1. Regional Cluster
2. Time Zone

آسیا و امریکای لاتین محسوب شده است (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۴). این مسئله ضرورت نظارت بر نهادها و مؤسسات مالی در این مناطق را افزایش می‌دهد. در نتیجه پارادوکسی مبنی بر این موضوع پدید می‌آید که از یک طرف با کاهش محدودیت‌ها و قواعد، قدرت رقابتی برای جذب نهادها و مؤسسات مالی را به دست آوریم، اما از سوی دیگر، برای جلوگیری از بحران‌های مالی، نظارت دقیق‌تری را بر فعالیت این نهادها اعمال کنیم. این پارادوکس به عنوان تقابل میان رقابت و شهرت مطرح شده است که در بخش‌های بعد، بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی، انتقادات وارده بر بانکداری فرامرزی مبتنی بر چند محور عمده است:

۱- بانکداری فرامرزی می‌تواند اثر سیاست پولی و نیز سیاست مالی را خنثی کند.

۲- بازار مالی فرامرزی نظام مالی را به سمت سفته‌بازی هدایت می‌کند.

این نوع بانکداری منابع را از بانک‌های مرکزی خارج می‌کند و در اختیار اشخاص قرار می‌دهد، زیرا الزامی به سپرده قانونی نزد بانک مرکزی ندارند (پالان، ۱۹۹۸: ۶۶).

نکته‌ای که در انتقادات مذکور وجود دارد، به نحوه عملیات و چگونگی فعال شدن این مراکز برمی‌گردد. در واقع، همان‌گونه که در بخش ۳-۲ نیز بیان شد، یکی از مزیت‌های مناطق مذکور این بوده است که بانک مرکزی قواعد حاکم بر نظام بانکی داخلی نظیر محدودیت‌های نرخ بهره، سقف مبادلات و ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی را در این مراکز اعمال نمی‌کند. بنابراین نسبت به نظام مالی داخلی ابزار بسیار کمتری برای کنترل حجم پول و اعمال سیاست‌های پولی دارد. از سوی دیگر، معافیت‌های مالیاتی این مناطق، حاشیه سود خالص فعالیت‌های مالی و بانکی را نسبت به بازارهای داخلی بیشتر کرده است. از یک طرف، وجود معافیت مالی موجب می‌شود افراد ثروتمند که بخش قابل توجهی از سپرده‌های بانک‌ها متعلق به آنها است، از طریق این مراکز به سپرده‌گذاری بپردازند و از سوی دیگر، بانک‌ها و نهادهای مالی نیز برای جذب این افراد به این مراکز، بسته‌های جذابی از خدمات مالی و بانکی و سرمایه‌گذاری را به آنها ارائه می‌کنند. شکل‌گیری خدمات بانکداری سرمایه‌گذاری^۱، بانکداری شخصی^۲، مدیریت ثروت^۳ و ... بخشی از خدماتی هستند که بانک‌های فعال

-
1. Investment Banking
 2. Private Banking
 3. Wealth Management

در نظام بانکداری بین‌المللی به مشتریان ثروتمند خود ارائه می‌کنند. مزیت جذب سپرده برای بانک‌ها از طریق این مناطق، عدم الزام به سپرده قانونی نزد بانک مرکزی است که بهای تمام شده فعالیت آنها را کاهش و قدرت نقدینگی‌شان را افزایش می‌دهد. این قدرت نقدینگی همراه با معافیت مالی و عدم محدودیت در حجم مبادله موجب شده است مبادلات بین بانکی به‌ویژه در زمینه تبدیل ارزها به یکدیگر که در ارقام بالا نسبت به بانکداری خرد^۱ انجام می‌شود، در این مناطق متمرکز شود و بانک‌ها ضمن مدیریت نقدینگی از طریق مبادلات ارزی، از انجام این مبادلات سودآوری نیز داشته باشند. بنابراین انگیزه سفته بازی نیز بخشی از دلایل انجام مبادلات ارزی در این مراکز محسوب می‌شود.

معافیت‌های مالیاتی مراکز فرامرزی نیز از ابتدای دهه ۹۰، مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی OECD، گروه هفت، سازمان ملل و اتحادیه اروپا قرار گرفت و هر کدام از این سازمان‌ها با توجه به ملاحظات خاص خود، خواهان ایجاد نظام اطلاعاتی شفاف در مورد عملکرد مراکز مالی فرامرزی شدند (مثلاً OECD، رقابت بر سر مالیات را مخرب می‌دانست، گروه هفت می‌خواست از پول‌شویی جلوگیری کند و مهمترین توجه اتحادیه اروپا، هماهنگی نظام مالیاتی و تبادل اطلاعات بود). از این رو، دولت این مناطق، توسط این سازمان‌ها تحت فشار قرار گرفتند تا عملکرد مناطق فرامرزی و داده‌های اقتصادی و مالی و فعالان درگیر در آنها را جمع‌آوری و منتشر کنند که این مسئله، مهمترین ویژگی این مناطق یعنی عدم افشای اطلاعات در آنها را در دهه ۹۰ از بین برد. لیست مناطق بهشت مالیاتی مضر توسط OECD در سال ۱۹۹۸ منتشر شده بود که شش جزیره شامل کیمان، برمودا، قبرس، مالت، موریتانی و سن مارینو را با اقدامات اصلاحی خودشان از لیست فوق خارج کردند (هامپتون و کریستینسن، ۲۰۰۲: ۱۶۶۰).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در سطح کلان توسعه‌ای، ایجاد مراکز مالی فرامرزی به عنوان راهکاری برای ورود به نظام مالی و بانکی بین‌المللی تلقی می‌شود که از طریق تعامل با نظام‌های توسعه‌یافته بین‌المللی، ضمن برخورداری و دسترسی به منابع لازم برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها، نظام مالی و بانکی با تحولات نهادی و پیشرفت‌های نهادی و تکنولوژیک جهانی همراه شود. لازمه

برقراری این تعامل، ایجاد فضایی بوده است که در آن قواعد و محدودیت‌های ناکارا به حداقل رسیده باشد. بنابراین، گام اول پذیرش ضرورت تعامل با اقتصاد بین‌المللی و تصریح آن در مجموع اهداف و آرمان‌های توسعه‌ای است. با پذیرش این ضرورت باید به دنبال راهکارهای ایجاد و برقراری این تعامل و رویارویی بود. ایجاد مراکز مالی فرامرزی، یکی از راهکارهایی است که اکثر کشورها به کار گرفته و از مزایای آن استفاده کرده‌اند. از این رو، تأسیس مراکز مالی فرامرزی، علاوه بر اینکه امکان دسترسی به بازارهای پول و سرمایه بین‌المللی را فراهم می‌کند، موجب ایجاد رقابت در محیط داخلی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و منابع درآمدی، افزایش درآمد دولت محلی، افزایش اشتغال، ارتقای سطح تکنولوژی و افزایش مهارت به صورت بخشی و کوتاه‌مدت نیز می‌شود.

بنابراین اگر در گام اول، تعامل با اقتصاد جهانی و سپس تأسیس مراکز مالی فرامرزی، به عنوان راهکاری برای برقراری این تعامل پذیرفته شود، لازم است زمینه‌ها و لوازم مورد نیاز فعالیت این مرکز فراهم شوند و قواعد و مقررات آن نیز طوری طراحی گردند که نتایج مورد انتظار را پدید آورند. روند شکل‌گیری این مراکز در سطح جهانی نشان می‌دهد، آنچه مبادلات مالی را به خارج از سرزمین اصلی سوق داده، ضرورت‌هایی از محدودیت‌های دولت بوده است که مانع مهمی در راه رشد و گسترش این مبادلات محسوب می‌شد. بدین ترتیب، از مقررات ساده‌تر و معافیت‌های مالیاتی برای جذب بانک‌ها و مؤسسات مالی خارجی نیز استفاده می‌شد. اما باید توجه کرد علاوه‌براین نتایج و کارکردهای مثبت که مراکز تأمین مالی فرامرزی داشته‌اند، از دهه ۹۰، به برخی جنبه‌ها و ابعاد مخرب آنها انتقادهایی شده است. این انتقادات به‌ویژه در زمینه‌های مالیاتی و پول‌شویی بوده که برطرف کردن آنها از سوی سازمان‌های بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول، اتحادیه اروپا و ... مورد تأکید قرار گرفته و الزامی شده است. در نتیجه این مراکز با این الزام مواجه شدند که به سوی پذیرش استانداردهای مقرراتی مناسب و مورد قبول بین‌المللی حرکت کنند که در بخش‌های بعد، بیشتر درباره آنها توضیح داده می‌شود. این مسئله این مراکز را با پارادوکس رقابت-شهرت مواجه کرده است که لزوم برقراری توازن میان این دو، به‌ویژه برای مراکز نوظهور و تازه تأسیس اهمیت بسیاری دارد.

۴. عوامل جذب و گسترش فعالیت مراکز تأمین مالی فرامرزی

مهمترین مزیت بازارهای مالی فرامرزی، فقدان نسبی مقررات از جمله در زمینه مالیات است. بنابراین بانکداری فرامرزی، مشمول بسیاری از محدودیت‌های تحمیل شده بر بانکداری داخلی نیست (پالان، ۱۹۹۸: ۶۶). محققان صندوق بین‌المللی پول نیز یکی از عوامل جذابیت بانکداری فرامرزی را معافیت بانک‌های مذکور از بسیاری از مقررات احتیاطی محدودکننده و مالیات تلقی می‌کنند. آنها عوامل جذب‌کننده نهادهای مالی برای سرمایه‌گذاری در مراکز مالی فرامرزی را موارد زیر می‌دانند:

۱- رژیم مالی مناسب‌تر با مالیات کمتر و حاشیه سود بالاتر

۲- چارچوب مقرراتی مناسب که مالیات ضمنی را کاهش و حاشیه سود را افزایش می‌دهد.

۳- حداقل مراحل اداری و قانونی برای ثبت شرکت و وارد شدن در مرکز

۴- چارچوب حقوقی کافی که در رابطه مالک-عامل همگرایی ایجاد می‌کند.

۵- مجاورت با مراکز مالی مهم جهانی

۶- شهرت مخصوص به یک مرکز مالی فرامرزی

۷- آزادی کامل از کنترل بر مبادلات ارزی (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۶).

اما همان‌طور که کاب (۱۹۹۸) تأکید می‌کند، توسعه محلی موفق در درون اقتصاد جهانی، از طریق عمق بخشیدن به نهادهای محلی امکان‌پذیر است. منظور از عمق بخشیدن به نهادها، افزایش میزان تنوع، تحرک و تعامل میان نهادها و مؤسسات محلی است. این دیگ جوشان از نهادها، منحصر به مکان خاصی است و تفاوت میان مکان‌هایی که نمی‌توانند به‌طور موفق در اقتصاد جهانی مشارکت کنند، با مناطقی که قادر هستند در این مسیر گام بردارند را توضیح می‌دهد (کاب، ۱۹۹۸: ۱۱). لیپیتز^۱ (۱۹۹۳) نیز در این باره می‌گوید نوع خاصی از مناطق هستند که درون چارچوب دولت‌های ملی می‌توانند برنده باشند و این دولت‌ها فقط زمانی در رقابت اقتصادی بین‌المللی، برنده خواهند بود که بدانند چگونه این نوع از مناطق برنده را ایجاد کنند (لیپیتز، ۱۹۹۳: ۱۶). بنابراین، لازم است عوامل مهم مؤثر بر ایجاد مناطق موفق (یا به اصطلاح برنده) را بشناسیم. در این قسمت، عوامل مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Lipietz

۴-۱. عوامل محیطی و زیرساخت‌ها

یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه در تأمین مالی فرامرزی، رازداری و حفظ اسرار مالی کسانی است که در این مناطق به انجام مبادلات مالی و بانکی می‌پردازند. از این حیث، شرایط محیطی حاکم بر مناطق تأمین مالی فرامرزی، از اهمیت زیادی برخوردار است. در این باره، پیوندهای اجتماعی و اشکال خاص سرمایه اجتماعی - ارزش‌ها و مشخصه‌های عمومی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌ها، فرهنگ، زبان، اعتماد - از پیش شرط‌های موفقیت مراکز تأمین مالی فرامرزی محسوب می‌شوند. بر این اساس، جزایر کوچک با داشتن اقتصاد کوچک و پیوندهای عمیق اجتماعی، یکی از مناطق بالقوه مناسب برای این هدف تشخیص داده می‌شوند، زیرا رازداری در سیستم اقتصاد سیاسی و فرهنگ جزایر کوچک وجود دارد (هامپتون و کریستینسن، ۲۰۰۲: ۱۶۶۴). ایجاد اعتماد میان کنشگران بازارهای مالی، برای جذب سرمایه‌های آنها توسط هادسن (۱۹۹۸) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. وی می‌گوید اگر بانک‌های خارجی احساس کنند که نمی‌توانند به مسئولان و مقامات محلی برای حفظ یک محیط باثبات و جذاب اعتماد نمایند، آنجا را ترک می‌کنند (هادسن، ۱۹۹۸: ۹۲۲). کاب (۱۹۹۸) نیز یادآور می‌شود که تأمین مالی فرامرزی، بخشی از نظام اقتصادی است که در آن اعتماد و دانش، عنصری حیاتی برای کارکرد موفق آن محسوب می‌شود و ایجاد شهرت می‌تواند نقش مهمی در دستیابی به این دانش و اعتماد ایفا کند (کاب، ۱۹۹۸: ۱۴).

علاوه بر این، همان‌طور که همپتون و کریستینسن بیان می‌کنند، بسیاری از محققین اعتقاد دارند که میان بخش خدمات مالی و سایر بخش‌ها به‌ویژه توریسم، همزیستی و وابستگی وجود دارد. توریسم و تأمین مالی فرامرزی، به ارتباطات و حمل‌ونقل هوایی سریع، هتل‌ها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و آب‌وهوای مناسب و جذاب نیاز دارد. در واقع، آب‌وهوای جذاب و امکانات توریستی مناسب موجب می‌شوند توریست‌های ثروتمند از جزایر بازدید کنند، از سبک زندگی آنجا لذت ببرند، در نهایت اقامت بگیرند و سرمایه‌گذاری کنند (هامپتون و کریستینسن، ۲۰۰۲: ۱۶۶۴).

در مطالعه‌ای که سراکیس و روسس والس (۱۹۸۴) درباره بحرین و نیز هادسن (۱۹۹۸) درباره کیمان و باهاما انجام داده‌اند، اهمیت شرایط محیطی و زیرساخت‌ها در موفقیت مراکز مالی فرامرزی نشان داده شده است. به‌طور خلاصه، نتیجه مطالعات مذکور، بیانگر اهمیت عوامل زیرساختی و

محیطی در دستیابی به جایگاه مناسب در بازار مالی بین‌المللی است. در واقع، ثبات سیاسی و اقتصادی، وجود زیرساخت‌های ارتباطی، حمل‌ونقل، مخابرات، توجه به عوامل توریستی و مسافرتی و تجهیز زیربخش‌های مربوط به آن، برای برخورداری از کیفیت مناسب و قابل قبول در حد استاندارد منطقه و جهان، پیش‌شرط ایجاد یک مرکز فرامرزی مالی مناسب است. این عوامل موجب شهرت یک منطقه می‌شود و این شهرت تضمین می‌کند که کنشگران در بازارهای مالی بین‌المللی بتوانند به این مراکز اعتماد کنند و با ورود سرمایه و فعالیت خود به آنجا موجب گسترش آن شوند.

۲-۴. عوامل قانونی، مقرراتی و نظارتی

ایده نظام‌های مقرراتی توسط محققان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. موران^۱ (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که نظام‌های مقرراتی و نظارتی خود می‌توانند منبع قدرتمندی برای ایجاد مزیت‌های رقابتی میان مناطق باشند (موران، ۱۹۹۱: ۷). درباره تدوین مقررات در بخش مالی، دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه این است که بانک‌ها نقش مهمی در اقتصاد ملی دارند، زیرا ارائه‌کننده خدمات مبادلاتی و منبعی برای نقدینگی هستند. این دیدگاه بر اعتماد و سلامت نظام بانکی تأکید می‌کند و مقررات را ابزار مهمی در این مسیر می‌داند (استیگلitz^۲، ۱۹۹۳: ۲۰). دیدگاه دیگر، مقررات مالی را در سطح حداقل دخالت نهادی می‌بیند و تکیه‌اش بر نیروهای بازار است. در این دیدگاه، بازار مالی مانند سایر بخش‌ها دیده می‌شود که باید بنگاه‌های بازار خود از طریق قراردادهای کنترل، ارزیابی و قیمت‌گذاری، ریسک خود را تنظیم کنند (کاب، ۱۹۹۸: ۱۲).

انتظار می‌رود در مراکز مالی فرامرزی، مقررات سهل‌تر و ساده‌تری حاکم باشد. اما از سوی دیگر، وجود شهرت در این باره که ساختار مقرراتی و نظارتی مناسبی بر این مراکز حاکم است نیز بسیار اهمیت دارد. کاب (۱۹۹۸) معتقد است که مراکز مالی فرامرزی، فقط از طریق دستیابی به شهرت، می‌توانند به میزان بیشتری در رقابت با سایر مراکز برنده باشند و دستیابی به این شهرت نیز فقط از طریق تثبیت نظام مقرراتی و نظارتی مالی مناسب، امکان‌پذیر خواهد بود (کاب، ۱۹۹۸: ۱۱). از این رو، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که مراکز تأمین مالی فرامرزی با آن مواجه هستند، تثبیت و حفظ

1. Moran
2. Stiglitz

شهرت به عنوان مکانی امن و مطمئن و تنظیم شده برای فعالیت اقتصادی است. از این رو، کیفیت محیط مقرراتی و نظارتی مالی، عنصر اساسی شهرت یک مرکز مالی فرامرزی محسوب می‌شود (کاب، ۱۹۹۸: ۱۴).

هادسن (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که مکان و فاصله، دیگر عامل قدرتمندی برای جذب سرمایه نیستند، بلکه محیط قانونی و نظارتی که هر مکانی از آن برخوردار است، عامل مهمی در جذب سرمایه محسوب می‌شود (هادسن، ۱۹۹۸: ۹۱۶). اریکو و موسالم (۱۹۹۹) نیز استدلال می‌کنند که پذیرش استانداردهای نظارتی و احتیاطی مورد قبول بین‌المللی، موجب می‌شود که فعالیت‌های مالی فرامرزی دچار بحران نشوند و آثار منفی آنها بر اقتصاد ملی کاهش یابد (اریکو و موسالم، ۱۹۹۹: ۴). این مسئله تا حدی اهمیت دارد که مراکز مالی فرامرزی، نباید با توجه بسیار به رقابت بر سر جذب بانک‌ها و نهادهای مالی بیشتر، استانداردهای نظارتی و قانونی پذیرفته شده بین‌المللی در بخش مالی را کم‌اهمیت تلقی کنند. این مسئله بر شهرت مراکز مالی به عنوان محیطی مطمئن به لحاظ مالی، اثر نامطلوب می‌گذارد و تجربیات مراکز مالی فرامرزی موفقی مانند کیمن و باهاما نشان می‌دهد که برای آنها، کیفیت و شهرت به عنوان یک مرکز مالی فرامرزی با استانداردهای قانونی و مقرراتی مناسب، بسیار مهم‌تر از این بود که بخواهند در مقررات‌زدایی رقابت کنند تا بانک‌های بیشتری را جذب کنند (هادسن، ۱۹۹۸: ۹۲۸). کاب (۱۹۹۸) نیز با دسته‌بندی مراکز مالی به سه دسته جهانی، کمتر جهانی و کوچک معتقد است که مراکز کوچک از طریق دستیابی به شهرت به عنوان یک منبع پایدار، مطمئن و قابل اعتماد و امن برای سرمایه‌گذاری از طریق ابزارهای پول و سرمایه، بسیار تلاش می‌کنند تا وارد نظام مالی جهانی شوند. عامل کلیدی در دستیابی به این شهرت، ایجاد چارچوب نظارتی و مقرراتی متوازن و مناسب برای خدمات مالی است. مراکزی که این استانداردها را رعایت نمی‌کنند، غالباً به پول شویی، جرم و فساد متهم می‌شوند (کاب، ۱۹۹۸: ۸).

می‌توان از بررسی چارچوب مقرراتی این مراکز مالی فرامرزی دریافت که اکثر آنها تلاش می‌کنند از استانداردهای نظارتی و احتیاطی بهره‌گیرند و در عین حال، مزیت خود را در امتیازهای مالیاتی، کاهش فرایندهای ثبت شرکت و غیره دنبال کنند. همان‌طور که رابرتس (۱۹۹۵) تصریح می‌کند بسیاری از مراکز تأمین مالی فرامرزی موفق و تثبیت شده، بر اساس سابقه‌ای از معافیت

مالیاتی شکل گرفته و رشد یافته‌اند (رابرتس، ۱۹۹۵: ۲۴۰). مینا قرار دادن استانداردهای مقرراتی و نظارتی مورد قبول بین‌المللی با ایجاد ثبات مالی و به تبع آن شهرت مناسب، اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران را به همراه دارد. بنابراین یکی از عوامل کلیدی موفقیت، ایجاد ساختار مقرراتی و نظارتی است که در عین برخورداری از سلامت مالی، از مزیت‌های رقابتی نیز برخوردار باشد.

۳-۴. عوامل کلان بازار پولی و بانکی

مطالعات تجربی انجام شده در این باره که از اعتبار علمی نیز برخوردار باشند، اندک هستند. اما به‌طور کلی می‌توان گفت به لحاظ بازاری، تصمیمات بانک‌ها برای تأسیس شعبه در مراکز تأمین مالی فرامرزی، به حجم مبادلات مورد انتظار و هزینه انجام فعالیت در کشور مورد بحث بستگی دارد. قیمت خدمات اصلی و عمده، نرخ بهره سپرده‌ها و وام‌ها نیز در تصمیم‌گیری در این باره که مکان شعبه کجا باشد، مهم هستند و مورد توجه قرار می‌گیرند (سراکیس و روسس والس، ۱۹۸۴: ۲۷۲). به اعتقاد رابرتس (۱۹۹۵) در این باره هزینه‌هایی که برای شروع فعالیت در زمینه ثبت شرکت، به متقاضیان تحمیل می‌شود نیز می‌تواند به عامل رقابتی میان مراکز تأمین مالی فرامرزی تبدیل شود. گرچه در مورد بخش بانکی و بیمه سعی می‌شود به حفظ نظم و ترتیب، اطمینان و تعهد طرف مقابل بیشتر توجه گردد (رابرتس، ۱۹۹۵: ۲۵۱).

گولدرگ و ساندرز^۱ (۱۹۸۱) نیز فعالیت بانک‌های خارجی در یک کشور را تابعی از تفاوت نرخ بهره سپرده‌ها در داخل و خارج آن کشور، بازده سهم بانک‌ها در بازار سهم کشور، نرخ رشد تولید ناخالص ملی کشور نسبت به سایر کشورهای مشابه، حجم واردات، تراز پرداخت‌ها، سرمایه‌گذاری خالص مستقیم خارجی، نرخ برابری پول آن کشور و انتظارات در مورد قوانین آینده نظام بانکی آن کشور توصیف می‌کنند. آنها با استفاده از تصریح مدل بر اساس شاخص‌های این متغیرها در اقتصاد آمریکا، رابطه میان حجم فعالیت بانک‌های خارجی در ایالات متحده را در طی سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹ برآورد می‌کنند. همچنین نشان می‌دهند که سهم بانک‌های خارجی از کل دارایی‌های بانک‌های تجاری در ایالات متحده، با تفاوت نرخ بهره سپرده‌ها در داخل و خارج آن کشور و بازده

1. Goldberg and Saunders

سهام بانک‌ها در بازار سهام آن، رابطه منفی دارد و با متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص ملی کشور نسبت به سایر کشورهای مشابه، حجم واردات، تراز پرداخت‌ها، سرمایه‌گذاری خالص مستقیم خارجی، نرخ برابری پول آن کشور و انتظارات در مورد قوانین آینده نظام بانکی آن کشور رابطه مثبت دارد.

عامل رقابت بین مناطق مختلف مراکز تأمین مالی فرامرزی نیز در گسترش فعالیت آنها مهم است. هادسن (۱۹۹۸) با بررسی جزایر کارائیب نشان می‌دهد که وقتی در منطقه‌ای، مراکزی به عنوان مراکز مالی فرامرزی شکل می‌گیرند و تثبیت می‌شوند، ظهور مکان‌های جدید، دشوار خواهد بود. اما نکته مهمی که می‌تواند بر این رقابت تأثیر داشته باشد، این است که شعب بانک‌های بین‌المللی در مراکز مالی فرامرزی، بیشتر برای همدیگر نقش مکمل دارند نه رقابتی (هادسن، ۱۹۹۸: ۹۲۶). رابرتس (۱۹۹۵) نیز درباره رقابت میان مراکز تأمین مالی فرامرزی در دریای کارائیب، دو نکته بیان می‌کند. اولاً این رقابت باعث شده است هر یک از این مراکز، در بازار مالی بین‌المللی، از یک نقش خاص برخوردار شوند و جایگاه ویژه خود را داشته باشند. ثانیاً تمایل سرمایه‌گذاران در طرف تقاضا این است که پرتفولیوی خود را متنوع و توزیع کنند و ریسک آن را کاهش دهند. بدین ترتیب، تعدد این مراکز، به آنها در توزیع و کاهش ریسک کمک می‌کند و مورد استقبال آنها واقع می‌شود (رابرتس، ۱۹۹۵: ۲۵۱).

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، کشورمان فاقد تعامل قابل توجه با نظام مالی بین‌المللی است. به‌طوری که چنین تعاملی در کل نظام اقتصادی کشور با اقتصاد جهانی دیده نمی‌شود و سهم ایران از تجارت جهانی، جایگاه مناسبی را نشان نمی‌دهد. واقعیت‌های موجود در اقتصاد داخلی، از یک سو بیانگر وجود محدودیت‌های قابل توجه در تجارت خارجی کشور است، به‌طوری که طبق نظر برنامه‌ریزان کشور، سهم اندک در تجارت جهانی و پیوند بسیار ضعیف با بازار سرمایه خارجی، به عنوان مسائل و مشکلات تجارت خارجی کشور مطرح شده است (مستندات برنامه چهارم توسعه). از سوی دیگر، نظام بانکی داخلی کشور نیز دچار ناکارایی‌های اساسی است. در ضمن، اعمال محدودیت‌ها و موانع داخلی بر بانکداری، همراه با دولتی بودن و عدم رقابت مؤثر و عدم اجازه ورود بانک‌های خارجی به

فعالیت در داخل کشور موجب شده است نظام بانکی کشور، فاقد تعامل و همگامی با نظام مالی بین‌المللی شود و در آمار و شواهد نیز این موضوع انعکاس یافته است. بنابراین بر طبق اهداف برنامه چهارم توسعه، می‌توان تعامل و پیوند با اقتصاد جهانی را به عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه‌ای کشور دانست. اما سؤال این است که چه راهکارهایی برای ایجاد این پیوند وجود دارد؟

تجربیات جهانی نشان می‌دهد در ابعاد مالی (بازار پول و سرمایه بین‌المللی) تأسیس مراکز مالی فرامرزی به عنوان یک راهکار قابل توجه است. اما آیا می‌توان با این راهکار به هدف مورد نظر دست یافت؟ پاسخگویی به این سؤال، مستلزم شناخت اهداف شکل‌گیری مراکز مالی فرامرزی است. همان‌طور که در بخش سوم مقاله توضیح داده شد، این مراکز کارکردهای زیر را دارند:

در سطح کلان:

- دسترسی به بازارهای پول و سرمایه بین‌المللی
- دستیابی به جایگاه خاص در نظام اقتصادی بین‌المللی و در سطح منطقه
- جذب مهارت‌ها و تخصص‌های فنی خارجی مورد نیاز
- ایجاد رقابت در بازار مالی داخلی

و در سطح محلی:

- افزایش منابع درآمدی دولت محلی
 - تنوع‌بخشی به فعالیتهای اقتصادی منطقه
 - افزایش اشتغال
 - رشد سایر بخش‌ها به‌ویژه توریسم
- بر طبق این کارکردها، تأسیس مراکز مالی فرامرزی به عنوان راهکاری مناسب برای پیوند با اقتصاد بین‌المللی قابل بررسی است. در چنین شرایطی، اهمیت جزیره کیش به عنوان یکی از مناطق آزاد تجاری کشور، به عنوان نقطه اتصال اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی دوبرابر می‌شود. این جزیره با وجود برخورداری از جذابیت‌های گردشگری، داشتن محدوده فیزیکی و جغرافیایی مستقل از محیط داخلی ایران، قرار داشتن در منطقه زمانی مابین مراکز اصلی مالی جهان، نتوانسته است بانک‌های خارجی را جذب کند و به عنوان مرکز مالی فرامرزی در منطقه خلیج فارس مطرح شود. بنابراین،

نکته مهم این است که اگر بخواهیم تأسیس مراکز مالی فرامرزی، کارکردهای مذکور را به همراه داشته باشد، چه الزاماتی را باید مورد توجه قرار دهیم و چه ابزار و لوازمی را فراهم کنیم؟

در بخش چهارم مقاله تلاش شد این ابزار و لوازم، بر اساس تجربیات بین‌المللی در سه بعد مورد بررسی قرار گیرند. روند تاریخی شکل‌گیری مراکز فرامرزی نیز نشان می‌دهد که ایجاد و رشد این مراکز، ناشی از ضرورت وجود مکانی برای انجام مبادلات بانکی بین‌المللی خارج از محدودیت‌های قانونی اعمال شده بر نظام بانکی داخلی به منظور تداوم سودآوری نظام بانکی و پاسخگویی به نیازهای مالی بین‌المللی بوده است. چنین ضرورتی موجب شد مکان‌هایی که از زمینه‌های لازم برای میزبانی این فعالیت‌ها برخوردار بوده‌اند و مهم‌تر از آن چنین ضرورتی توسط مسئولان آنها درک شده بود، بتوانند با تدوین استراتژی توسعه مناسب برای بخش مالی، از مزیت‌های خود استفاده کنند و به ضرورت مذکور پاسخ دهند. برای انجام چنین نقشی لازم بود این مناطق زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی لازم را ایجاد کنند و محیط باثبات اقتصادی و سیاسی را تضمین نمایند. به‌ویژه آنکه بسیاری از این مراکز که در جزایر قرار گرفته‌اند، تلاش کرده‌اند جذابیت‌های گردشگری خود را حفظ و تقویت کنند و از آن به عنوان ابزاری زمینه‌ساز برای ورود اشخاص صاحب منابع مالی فراوان استفاده کنند. درک چنین موقعیتی، شرط اولیه برای ایجاد این مرکز در جزیره کیش محسوب می‌شود، زیرا حرکت به سوی ایجاد مرکز مالی فرامرزی، در گرو حفظ و تقویت جذابیت‌های گردشگری جزیره است.

یکی از مهمترین ملاحظات در تأمین مالی فرامرزی، رازداری و حفظ اسرار مالی کسانی است که در این مناطق، مبادلات مالی و بانکی انجام می‌دهند. از این حیث، شرایط محیطی حاکم بر مناطق تأمین مالی فرامرزی، از اهمیت زیادی برخوردار است. در این باره، پیوندهای اجتماعی و اشکال خاص سرمایه اجتماعی - ارزش و مشخصه‌های عمومی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌ها، فرهنگ، زبان، اعتماد - از پیش شرط‌های موفقیت مراکز تأمین مالی فرامرزی محسوب می‌شود. بر این اساس، جزایر کوچک با داشتن اقتصاد کوچک و پیوندهای عمیق اجتماعی، یکی از مناطق بالقوه مناسب برای این هدف محسوب می‌شوند. ظاهراً جزیره کیش از این حیث دارای مزیت بالقوه است.

اما اهمیت عوامل زیرساختی و محیطی در دستیابی به جایگاه مناسب در بازار مالی بین‌المللی

بسیار زیاد است. در واقع، ثبات سیاسی و اقتصادی، وجود زیرساخت‌های ارتباطی، حمل‌ونقل، مخابرات، توجه به عوامل توریستی و مسافرتی و تجهیز زیربخش‌های مربوط به آن، برای برخورداری از کیفیت مناسب و قابل قبول در حد استاندارد منطقه و جهان، پیش‌شرط ایجاد یک مرکز فرامرزی مالی مناسب است. این عوامل موجب شهرت یک منطقه می‌شوند و این شهرت تضمین می‌کند که کنشگران در بازارهای مالی بین‌المللی بتوانند به این مراکز اعتماد کنند و با ورود سرمایه و فعالیت خود در آنجا، موجب گسترش آن شوند. بنابراین جزیره کیش با برخورداری از زمینه‌های نهادی، باید به ایجاد زیرساخت‌های لازم و کافی، حفظ و ارتقای جذابیت‌های گردشگری و ایجاد محیط باثبات اقتصادی و سیاسی نیز به‌طور ویژه توجه داشته باشد تا بتواند از شهرت لازم برخوردار شود و اعتماد بازیگران بازارهای مالی بین‌المللی را جلب کند.

اما یکی از ابعاد مهم ایجادکننده شهرت برای یک مرکز مالی فرامرزی، به عنوان محیطی امن و مطمئن، به نظام نظارتی و مقرراتی حاکم بر آن مربوط می‌شود. همان‌طور که گفته شد، در مطالعات محققان در این باره، بر اهمیت نظام مقرراتی تأکید می‌شود و آن به عنوان عامل رقابتی و ایجادکننده مزیت تلقی می‌گردد. البته در این راه، مراکز مالی فرامرزی، با مسیری پارادوکس‌گونه مواجه هستند. از یک سو، انتظار می‌رود در این مراکز برای جذب کنشگران بازارهای مالی و بانکی بین‌المللی، مقررات سهل و ساده‌تری حاکم باشد. اما از سوی دیگر، به پذیرش استانداردهای احتیاطی و نظارتی مورد قبول بین‌المللی گرایش جهانی وجود دارد و مراکز فرامرزی برای دستیابی به شهرت و ایجاد اعتماد در سایرین، باید این استانداردها را بپذیرند و آنها را رعایت کنند. چنین مسیر تناقض‌گونه‌ای برای جزیره کیش نیز وجود دارد. این جزیره از یک سو در منطقه با رقبای جدی در بازارهای مالی فرامرزی مانند بحرین و دبی مواجه است و در نتیجه، باید نظام مقرراتی را پایه‌ریزی کند که مزیت‌های رقابتی پدید آورد تا آن را قادر سازد که در این محیط رقابتی رشد کند. از سوی دیگر، باید استانداردهای نظارتی و احتیاطی بین‌المللی در بخش بانکداری را نیز اعمال کند تا بتواند به شهرت لازم برسد. بنابراین، یکی از عوامل کلیدی موفقیت، ایجاد ساختار مقرراتی و نظارتی است که در عین برخورداری از سلامت مالی، مزیت‌های رقابتی را نیز دارا باشد.

تجربیات نشان می‌دهند که وقتی در منطقه‌ای، مراکزی به عنوان مراکز مالی فرامرزی شکل

می‌گیرند و تثبیت می‌شوند، ظهور مکان‌های جدید دشوار خواهد بود. اما نکته مهمی که می‌تواند بر این رقابت تأثیر داشته باشد، این است که شعب بانک‌های بین‌المللی در مراکز مالی فرامرزی، بیشتر برای یکدیگر نقش مکمل دارند نه رقابتی. در واقع، در این باره محققان بر دو نکته تأکید کرده‌اند. اولاً، این رقابت موجب شده است هر یک از این مراکز، در بازار مالی بین‌المللی از نقشی خاص برخوردار شوند و جایگاه ویژه خود را داشته باشند. ثانیاً تمایل سرمایه‌گذاران در طرف تقاضا این است که پرتفولیوی خود را متنوع و توزیع کنند و ریسک آن را کاهش دهند. از این حیث، تعدد این مراکز به آنها در توزیع و کاهش ریسک کمک می‌کند و از سوی آنها مورد استقبال واقع می‌شود. از این رو، بسیاری از مراکز به دنبال دستیابی به جایگاه خاص خود بوده‌اند و هر کدام در حوزه خاصی تخصصی شده‌اند. از این رو، جزیره کیش نیز باید در جستجوی جایگاه خاص در بازار بین‌المللی باشد و نقش خاص خود را ایفا کند تا بتواند در این محیط رقابتی، به عنوان یکی از مراکز مالی فرامرزی رشد کند. در واقع، استراتژی اساسی این است که به دنبال ایفای نقش مکمل مراکز موجود در منطقه باشیم. در این مسیر باید ببینیم چه نیازهایی در منطقه وجود دارد که در حال حاضر برآورده نمی‌شود و مراکز موجود، در کدام حوزه‌های فرامرزی وارد نشده‌اند یا اگر هم وارد شده‌اند، نقش مؤثری ایفا نمی‌کنند. با پاسخگویی به این سؤال می‌توانیم حوزه‌هایی را مشخص کنیم که به‌طور جدی بتوانیم در آنها وارد شویم و با ایفای نقش خاص خود، خدمات مکمل مراکز موجود را ارائه دهیم و سهم خاص خود را در بازار مالی بین‌المللی به دست آوریم.

در جمع‌بندی می‌توان گفت فرایند ایجاد مراکز مالی فرامرزی، شامل چند مرحله است. در گام اول، باید پذیرفته شود که همگامی با اقتصاد جهانی ضروری است و پیوندهای لازم با بازار پول و سرمایه بین‌المللی باید ایجاد شود. اولین گام، رفع محدودیت‌های قانونی در زمینه فعالیت بانک‌های خارجی در کشور است که با تصمیم اخیر شورای پول و اعتبار مبنی بر اعطای اجازه فعالیت به بانک‌های خارجی در کشور تا حدودی انجام شده است. گام دوم، پذیرش تأسیس مراکز مالی فرامرزی، به عنوان راهکاری برای اتصال به بازار مالی بین‌المللی است. از این حیث، جزیره کیش می‌تواند به عنوان یک مورد مهم مطرح باشد. ویژگی جزیره‌ای بودن، برخورداری از سابقه مناطق آزاد، جذابیت‌های گردشگری، نزدیکی به بازارهای مالی منطقه نظیر بحرین و امارات، کیش را به

عنوان نقطه شروع مناسب برای طی کردن مرحله آزمایشی مطرح می‌کند. تأثیر قابل توجه نظام مالی بر نظام اقتصادی و عدم تجربه حضور بانک‌های خارجی در نظام بانکی کشور، به مدت بیش از دو دهه که همزمان با تحولات بسیار در بانکداری بین‌المللی بوده است و نظام بانکداری منحصر به فرد تعریف شده در ایران به نام بانکداری بدون ربا، ضرورت طی این مرحله آزمایشی را با کمترین هزینه برای نظام اقتصادی و مالی کشور دوبرابر می‌کند. طی این مرحله آزمایشی در نظام اقتصادی جزیره‌ای مانند کیش، ضمن باز کردن مسیر ورود به نظام مالی بین‌المللی، واکنش نظام بانکی و اقتصادی کشور به این تغییر، در مقیاس کوچک نشان داده می‌شود و این امر می‌تواند به طراحی بهینه سیاست‌های مربوط توسط نهادهای مسئول منجر شود. گام نهایی، تعیین ابزار و لوازمی است که برای موفقیت این مراکز لازم است. وجود زیرساخت‌های لازم و سرمایه‌گذاری برای ایجاد آنها (مخابراتی، جاده، ساختمان، هتل و...) و افزایش جذابیت‌های توریستی، وجود قوانین و مقررات شفاف، تسهیل در فرایند تأسیس بانک و شعب، ایجاد جذابیت‌های مالی، پرهیز از تغییرات مداوم در سیاست‌ها و قوانین و مقررات، دادن اطمینان به سرمایه‌گذاران و جلوگیری از نوسان‌هایی که موجب بروز آثار منفی بر فعالیت آنها می‌شود و امنیت سرمایه آنها را تضعیف می‌کند، از ارکان اجرایی سیاست فوق است. نگاهی به شواهد موجود نشان می‌دهد شکاف میان وضع موجود ما و شرایط رقا زیاد است و لازم است در همه زمینه‌های فوق، به‌طور جدی تلاش شود.

منابع

- Bank for International Settlement (2006) BIS Quarterly Review.
- Bencivenga, V. R. and Smith, B. D. (1991) Financial Intermediation and Endogenous Growth” Review of Economic Studies, Vol. 58, pp: 195-209.
- Bencivenga, V. R.; Smith, B. D. and Starr, R. M. (1995) Transaction costs, Technological Choice and Endogenous Growth, Journal of Economic Theory, Vol. 153, pp: 153-177.
- Bhattacharya, Anindya K. (1980) Offshore Banking in the Caribbean by U.S.

- Commercial Banks: Implications for Government-Business Interaction, *Journal of International Business Studies*, Vol. 11, NO. 3, pp: 37-46.
- Cerakis, A.S. and O. Roncesvalles (1983) Bahrain's Offshore Banking Center, *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 31, No. 2, pp: 271-293.
- Chrystal, K. Alec (1984) International Banking Facilities, Federal Reserve Bank of Saint Louis, April 1984, pp: 6-11.
- Cobb, S. Corkill (1998) Global Finance and the Growth of Offshore Financial Centers, *The Manx Experience Geoforum*, Vol. 29, No. 1, pp: 7-21.
- Demetriades, P. O. and Hussein, K. A. (1996) Does Financial Development Cause Economic Growth? Time-series Evidence from 16 Countries *Journal of Development Economics*, Vol. 51, pp: 387-411.
- Demirguc-Kunt, A. and Maksimovic, V. (1998) Law, Finance and Firm Growth, *Journal of Finance*, Vol. 53, No. 6, pp: 2107-2137.
- Errico, Luca and Alberto Musalem (1999) Offshore Banking: An Analysis of Micro and Macro Prudential Issues, IMF Working Paper wp/99/5.
- Fisher, A. (1994) The Challenge of Change In: *The International Offshore and Financial Centers Handbook*, pp: 27-29, H. Davis (ed), Sethawk, London.
- Gerschenkron, A. (1962) *Economic Backwardness in Historical Perspective- A Book of Essays*, Cambridge: Harvard University Press.
- Goldberg, Lawrence G. and Anthony Saunders (1981) The Determinants of Foreign Banking Activity in the United States, *Journal of Banking and Finance*, Vol. 5, No. 1, pp: 17-32.
- Goldsmith, R. W. (1969) *Financial Structure and Development*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Greenwood, J. and Jovanovic, B. (1990) Financial development, Growth and Distribution of Income, *Journal of Political Economy*, Vol. 98, pp: 1076-1107.
- Hampton, Mark, P. and John Christensen (2002) Offshore Pariahs? Small Island Economies, Tax Havens, and the Re-configuration of Global Finance, *World Development*, vol. 30, No. 9, pp: 1657- 1673.

- Hicks, John, (1969) A theory of economic history, Oxford, Clarendon Press.
- Hudson, Alan C. (1998) Placing Trust, Trusting Place: on the Social Construction of Offshore Financial Centers, *Political Geography*, Vol. 17, No. 8, pp: 915-937.
- King, R. G. and Levine, R. (1993a) Finance and Growth: Schumpeter might be Right, *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 108, pp: 717-737.
- King, R. G. and Levine, R. (1993b) Finance, Entrepreneurship and Growth: Theory and Evidence, *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32, pp: 513-542.
- King, R. G. and Levine, R. (1993a) Finance and Growth: Schumpeter Might be Right, *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 108, No. 3, pp: 717-737.
- La Porta, R.; Lopez-de-Silanes F. and Shleifer, A. (2002) Government Ownership of Banks, *Journal of Finance*, Vol. 57, No.1, pp: 265-301.
- Leahy, M.; Schich, S.; Wehinger, G. and Pelgrin, F. (2001) Contributions of Financial System to Growth in OECD Countries, *OECD Economics Department Working Papers No. 280*.
- Levine, R. (1991) Stock Markets, Growth and Tax Policy, *Journal of Finance*, Vol. 46, pp: 1445-1465.
- Levine, R. (1997) Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda, *Journal of Economic Literature*, Vol. XXXV, No.2, pp: 688-726.
- Levine, R. and Zervos, S. (1998) Stock Markets, Banks, and Economic Growth, *American Economic Review*, Vol. 88, No. 3, pp: 537-558.
- Lipietz, A. (1993) The Local and the Global: Regional Individuality or Interregionalism, *Transactions, Institute of British Geographers*, Vol. 18, pp: 8-18.
- Liu, W. C. and Hsu, C. M. (2006) The Role of Financial Development in Economic Growth: The Experiences of Taiwan, Korea and Japan, *Journal of Asian Economics*, Vol. 17, pp: 667-690.
- Mayer, C. (2002) Financing the New Economy: financial institutions and corporate governance, *Information Economics and Policy*, Vol. 14, pp: 311-326.
- McKinnon, R. I. (1973) *Money and Capital in Economic Development*, Washington DC.: The Brookings Institution.

- Megginson, W. L. (2003) The Economics of Bank Privatization, Paper presented at World Bank Conference on Bank Privatization in Low and Middle Income Countries, Washington, DC, November 20-21.
- Moran, M. (1991) The Politics of Financial Services Revolution: The USA, UK, and Japan, St. Martin Press, New York.
- Palan, Ronen, (1998) The Emergence of an Offshore Economy, *Futures*, Vol. 30, No. 1, pp: 63-73.
- Park, Y. (1982) The Economics of Offshore Financial Centers, *Columbia Journal of World Business*, pp: 31-35.
- Rajan, L. and Zingales, L. (1998) Financial Dependence and Growth American Economic Review, Vol. 88, No. 3, pp: 559-586.
- Roberts, Susan M. (1994) Fictitious Capital, Fictitious Places: the Geography of Offshore Financial Flows, In: *Money, Power and Space*, Ed. S. Corbridge, R. Martin and N. Thrift, pp: 91-115, Blackwell, Oxford.
- Roberts, Susan M. (1995) Small Place, Big Money: The Cayman Islands and the International Financial System, *Economic Geography*, Vol. 71, No. 3, pp: 237-256.
- Robinson, Joan, (1952) *The Generalization of the General Theory, in the Rate of Interest and Other Essays*, London, Macmillan, pp: 67-142.
- Saint-Paul, G. (1992) Technological Choice, Financial Markets and Economic Development, *European Economic Review*, Vol. 36, pp: 763-781.
- Schumpeter, J. A. (1911) *The theory of economic development*, Cambridge MA: Harvard University Press.
- Shaw, E. S. (1973) *Financial Deepening in Economic Development*, New York: Oxford University Press.
- Stiglitz, J. E. (1993) The Role of the State in Financial Markets, *Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics*, World Bank, Washington DC.
- Suss, Esther C. et. al. (2002) *Caribbean Offshore Financial Centers: Past, Present and Possibilities for Future*, IMF Working Paper wp/02/88.